



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

معارف حج و عمرہ

مذہبی گذرا بہ اسرار و معارف حج و عمرہ روایات



معاونت امور روحانیوں
کمیٹہ اسرار و معارف حج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رازها و رمزها (گزیده ای از اسرار حج و اماکن در روایات)

نویسنده:

معاونت امور روحانیون کمیته اسرار و معارف حج

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	رازها و رمزها: گزیده ای از اسرار حج و اماکن در روایات
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۶	مقدمه
۱۷	قوام دین به قوام کعبه
۱۷	تسلیم و تعبد راز اصلی احکام دین
۱۸	فلاح و رستگاری در حج
۱۸	آثار مادی و معنوی حج
۱۹	حج، یادآور مرگ و رستاخیز
۲۱	حج، آزمون مردم و آمرزشگاه خلق
۲۳	برخورد حکیمانه با کج اندیشان
۲۴	آزمایش خلق با سختی و بلا
۲۷	ارسال پیامبران و آزمایش خلق
۲۷	اوصاف پیامبران برای آزمایش خلق
۲۸	کعبه آزمونی برای خلق
۳۱	راز احرام از مسجد شجره
۳۱	غسل احرام و پاک شدن از آلودگی‌ها
۳۲	کندن لباس معصیت در میقات
۳۳	زدودن ناپاکی‌ها و پیمان‌های غیر خدایی
۳۴	عقد احرام پیمان با خدا
۳۵	احرام به جای قربانی
۳۶	قصد زیارت خدا

- ۳۷ طواف دل همراه با ملائکه
- ۳۷ فرار به سوی خدا
- ۳۸ بیعت با خدا و اقتدا به ابراهیم علیه السلام
- ۴۰ زمزم، داروی شفا بخش
- ۴۰ خوف و رجا در مسعی
- ۴۱ اعتراف پاکان به تقصیر
- ۴۱ تجدید پیمان با خدا در عرفات
- ۴۲ شناخت خدا در عرفات
- ۴۳ حصول قرب پس از اعتراف
- ۴۴ جمع بین دو نماز
- ۴۴ پرواز به سوی ملکوت
- ۴۵ استقامت بر راه مستقیم
- ۴۶ منا سرزمین آرزوهای حقیقی
- ۴۷ مبارزه با شیطان
- ۴۸ ریزش گناه در رمی جمرات
- ۴۹ قربانی یاد آور فقرا
- ۴۹ لبیک گوی نورانی در قیامت
- ۵۰ کشتن نفس سرکش و دیدار خدا
- ۵۱ راز چهار عمل
- ۵۳ چهارماه پاکی از گناه
- ۵۴ ذکر خدا باز کننده راه
- ۵۵ علامت خدایی
- ۵۶ کعبه محاذی بیت المعمور و عرش خدا
- ۵۷ راز بیت عتیق و بیت الله الحرام
- ۵۷ بیت خدا اولین ساختمان در وسط زمین
- ۵۸ اشک های جاری گناه کاران

- ۵۹ مکه جایگاه آزمایش مردم در ازدحام
- ۵۹ شایستگی های اولین انسان حج گزار
- ۵۹ الف. منزلت انسان در مشاعر
- ۶۰ ب. آغاز توبه آدم
- ۶۱ ج. معماری خانه و معین نمودن مشاعر
- ۶۲ د. عرفات اولین مکان توبه
- ۶۳ ه. یقظه و اعتراف
- ۶۴ و. قربانی، علامت قبولی توبه
- ۶۵ ز. تراشیدن سر، نشانه بندگی
- ۶۶ ح. مبارزه با شیطان برای رسیدن به خدا
- ۶۷ ط. آثار طواف خانه خدا
- ۶۸ ملتزم و نهی از بهشت پای آن
- ۶۹ خیمه بهشتی به اندازه بیت الله
- ۷۰ خیمه بهشتی به شعاع مسجدالحرام و حرم
- ۷۱ ملائکه در طواف خانه خدا
- ۷۲ ساختمان کعبه برای ملائکه و بنی آدم
- ۷۴ چرا هفت دور طواف؟
- ۷۶ یادآوری خاطرات هاجر و اسماعیل
- ۷۸ تواضع، محبوبترین عمل نزد خدا
- ۷۸ امام صادق علیه السلام فرمود: « محبوبترین محل عبادت نزد خدا محل سعی بین صفا و مروه است، زیرا در این مکان هر سرکش عنودی خوار می‌شود.»
- ۷۹ حجر الاسود دست خدا در روی زمین
- ۸۰ رکن یمانی، باب اهل البیت به سوی بهشت
- ۸۱ علت استلام رکن یمانی و حجر الاسود
- ۸۳ درباره مرکز

رازها و رمزها: گزیده ای از اسرار حج و اماکن در روایات

مشخصات کتاب

رازها و رمزها (مروری گذرا بر اسرار و معارف حج در روایات)

معاونت امور روحانیون

کمیته اسرار و معارف حج

سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

زبان: فارسی

تعداد صفحات: ۷۵ص

موضوع: حج - بلا و سختی

موضوع: حج - آزمایشات

موضوع: استقامت در راه مستقیم

موضوع: مبارزه با هوای نفس و شیطان

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ۱

رازها و رمزها

(مروری گذرا بر اسرار و معارف حج در روایات)

معاونت امور روحانیون

کمیته اسرار و معارف حج

ص: ۳

معاونت امور روحانیون

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

● نوبت چاپ / اول

تاریخ انتشار/ پاییز ۱۳۸۷ ● ناشر/ دارالحدیث

● تیراژ / ۲۲۰۰

نشانی: تهران/ خیابان آزادی / نبش رودکی / سازمان حج و زیارت، طبقه دوم،

معاونت امور روحانیون

تلفن: ۶۶۵۸۲۰۹۶

ص: ۴

فهرست

مقدمه	۹
قوام دین به قوام کعبه	۱۰
تسلیم و تعبد راز اصلی احکام دین	۱۰
فلاح و رستگاری در حج	۱۱
آثار مادی و معنوی حج	۱۱
حج، یادآور مرگ و رستاخیز	۱۲
حج، آزمون مردم و آمرزشگاه خلق	۱۴
برخورد حکیمانه با کج اندیشان	۱۶
آزمایش خلق با سختی و بلا	۱۷
ارسال پیامبران و آزمایش خلق	۲۰
اوصاف پیامبران برای آزمایش خلق	۲۰
کعبه آزمونی برای خلق	۲۱
راز احرام از مسجد شجره	۲۴
غسل احرام و پاک شدن از آلودگیها	۲۴
کندن لباس معصیت در میقات	۲۵
زدودن ناپاکیها و پیمانهای غیر خدایی	۲۶
عقد احرام پیمان با خدا	۲۷
احرام به جای قربانی	۲۸
قصد زیارت خدا	۲۹

- طواف دل همراه با ملائکه ۳۰
- فرار به سوی خدا ۳۰
- بیعت با خدا و اقتدا به ابراهیم علیه السلام ۳۱
- زمزم، داروی شفا بخش ۳۳
- خوف و رجا در مسعی ۳۳
- اعتراف پاکان به تقصیر ۳۴
- تجدید پیمان با خدا در عرفات ۳۴
- شناخت خدا در عرفات ۳۵
- حصول قرب پس از اعتراف ۳۶
- جمع بین دو نماز ۳۷
- پرواز به سوی ملکوت ۳۷
- استقامت بر راه مستقیم ۳۸
- منا سرزمین آرزوهای حقیقی ۳۹
- مبارزه با شیطان ۴۰
- ریزش گناه در رمی جمرات ۴۱
- قربانی یاد آور فقرا ۴۲
- لبیک گوی نورانی در قیامت ۴۲
- کشتن نفس سرکش و دیدار خدا ۴۳
- راز چهار عمل ۴۴
- چهارماه پاکی از گناه ۴۶
- ذکر خدا باز کننده راه ۴۷

- ۴۸ علامت خدایی
 ۴۹ کعبه محاذی بیت المعمور و عرش خدا
 ۵۰ راز بیت عتیق و بیت الله الحرام
 ۵۰ بیت خدا اولین ساختمان در وسط زمین
 ۵۱ اشکهای جاری گناه کاران
 ۵۲ مکه جایگاه آزمایش مردم در ازدحام
 ۵۲ شایستگیهای اولین انسان حج گزار
 الف. منزلت انسان در مشاعر ۵۲
 ب. آغاز توبه آدم ۵۳
 ج. معماری خانه و معین نمودن مشاعر ۵۴
 د. عرفات اولین مکان توبه ۵۵
 ه. یقظه و اعتراف ۵۶
 و. قربانی، علامت قبولی توبه ۵۷
 ز. تراشیدن سر، نشانه بندگی ۵۸
 ح. مبارزه با شیطان برای رسیدن به خدا ۵۹
 ط. آثار طواف خانه خدا ۶۰
 ی. بایستگی استمرار استغفار و توبه ۶۰
 ۶۱ ملتزم و نهری از بهشت پای آن
 ۶۲ خیمه بهشتی به اندازه بیت الله
 ۶۳ خیمه بهشتی به شعاع مسجدالحرام و حرم
 ۶۴ ملائکه در طواف خانه خدا

- ۶۵ ساختمان کعبه برای ملائکه و بنی آدم
- ۶۷ چرا هفت دور طواف؟
- ۶۹ یادآوری خاطرات هاجر و اسماعیل
- ۷۱ تواضع، محبوبترین عمل نزد خدا
- ۷۱ هر لبیک یک حج
- ۷۲ حجر الاسود دست خدا در روی زمین
- ۷۳ رکن یمانی، باب اهل البیت به سوی بهشت
- ۷۴ علت استلام رکن یمانی و حجر الاسود

حج میهمانی خداست. سفره ای آسمانی گسترده بر زمین. حق این است که در مقام معرفت و شناخت حقیقت این مائده آسمانی، نیز به آسمانیان باید رجوع کرد.

این نوشتار نگاهی گذرا به رازها و رمزهای حج در سخن اهل بیت (علیهم السلام) که بی هیچ گونه توضیح و تفسیری به محضر راهنمایان معنوی زائران بیت الله الحرام تقدیم می شود. جا دارد که از اهتمام و تلاش ارزشمند محقق ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین اکبر ترابی شهرضایی در تهیه و تنظیم این مجموعه تشکر و قدردانی به عمل آید. فرصت را مغتنم شمرده از اساتید و محققانی که در مورد این اثر نظر و پیشنهادی دارند یا در موضوع اسرار و معارف حج و زیارت تکاپویی علمی داشته اند، برای ارایه نقطه نظرات و آثار خود دعوت به عمل می آورد.

کمیته اسرار و معارف حج

معاونت امور روحانیون

پاییز ۱۳۸۷

ص: ۹

قال أبو عبد الله عليه السلام قال: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ.» (١)

امام صادق علیه السلام فرمود: «مادامی که کعبه پابرجاست دین پاینده است.»

تسلیم و تعبد راز اصلی احکام دین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «يَا عِبَادَ اللَّهِ أَنْتُمْ كَالْمَرْضَى وَاللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ كَالطَّيِّبِ فَصَلِّ لِمَا حُضِيَ فِيمَا يَعْلَمُهُ الطَّيِّبُ وَ يُدَبِّرُهُ بِهِ لَا فِيمَا يَشْتَهِيهِ الْمَرِيضُ وَ يَقْتَرِحُهُ أَلَا فَسَلِّمُوا لِلَّهِ أَمْرَهُ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ.» (٢)

رسول خدا فرمود: «ای بندگان خدا شما مانند بیماران هستید و خداوند رب العالمین مانند طیب می باشد، مصلحت مریض در آن چیزی است که طیب تشخیص می دهد و آن را تجویز می نماید نه در آنچه که بیمار به آن تمایل دارد و می خواهد. ای بندگان خدا تسلیم فرمان های خدا باشید تا از جمله رستگاران گردید.»

ص: ۱۰

۱- الکافی، ج ۴، ص ۲۷۱، ح ۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۷۵.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «لِمَ سُمِّيَ الْحَجُّ حَجًّا قَالَ: حَجَّ فُلَانٌ أَيْ أَفْلَحَ فُلَانٌ.» (۱)

از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند: چرا به حج، حج گفتند؟ امام فرمود: «فلانی حج انجام داد، یعنی فلانی رستگار شد.»

آثار مادی و معنوی حج

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَتَسَّعَ أَرْزَاقُكُمْ وَتُكْفَوْنَ مَوْنَاتِ عِيَالِكُمْ وَ قَالَ الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ وَ مَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ وَ مَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ.» (۲)

امام سجاد علیه السلام فرمود: «حج و عمره بجا آورید تا بدن هایتان سالم گردد و روزی شما فراخ گردد و مخارج عیالتان کفایت شود. حاجی آمرزیده، بهشت بر او واجب شده و عمل از سر گیرنده و حفظ شده در اهل و مالش می باشد.»

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْحُجَّاجُ يَصِيدُونَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ صَدَنُفٌ يُعْتَقُ مِنَ النَّارِ وَ صَدَنُفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ صَدَنُفٌ يُحْفَظُ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَذَاكَ أَذْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ الْحَاجُّ.» (۳)

ص: ۱۱

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰۳، ح ۱۴۳۵۶.

۲- الکافی، ج ۴، ص: ۲۵۲، ح ۱.

۳- الکافی، ج ۴، ص: ۲۵۳، ح ۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس از اعمال حج، حاجیان بر یکی از سه حالت به خانه خود برمی گردند: گروهی آزاد شده از آتش جهنم و جمعی از گناه بیرون شده مانند روزی که از مادر متولد شده اند و دسته ای کمترین بهره را برده در مال و خانواده اش محافظت می شوند تا او برگردد.»

حج، یادآور مرگ و رستاخیز

وَ اعْلَمَ بِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَفْتَرِضِ الْحَجَّ وَ لَمْ يَخْصُهُ مِنْ جَمِيعِ الطَّاعِيَاتِ بِالْإِضَافَةِ إِلَى نَفْسِهِ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ لَا شَرَعَ نَبِيُّهُ ص سُنَّةً فِي خِلَالِ الْمَنَاسِكِ عَلَى تَرْتِيبِ مَا شَرَعَهُ إِلَّا لِلِاسْتِعْدَادِ وَ الْإِشَارَةِ إِلَى الْمَوْتِ وَ الْقَبْرِ وَ الْبُعْثِ وَ الْقِيَامَةِ بِمُشَاهَدَةِ مَنَاسِكِ الْحَجِّ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا لِأُولَى الْأَلْبَابِ وَ أُولَى النَّهْيِ. (۱)

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه فرمود: «بدان که خداوند حج را واجب کرد و از میان تمام عبادات، فقط آن را به خود نسبت داد به قولش که فرمود: برای خدا بر مردم است که حج خانه او را بجا آورند کسانی که استطاعت دارند و در

ص: ۱۲

میان سنت پیامبرش عملی مانند ترتیب مناسک حج وجود ندارد که انسان را برای مرگ آماده می سازد به گونه ای که صاحبان عقل و درایت با دیدن مناسکش از ابتدا تا انتها، اشارات به مرگ و قبر و زنده شدن و روز قیامت را می بینند.

الْقُطْبُ الرَّاَوْنِدِيُّ فِي لُبِّ اللَّيَابِ:، رُوي «أَنَّ أَحْوَالَ الْحَجِّ كَأَحْوَالِ الْمَوْتِ فَكَمَا يَكْتُبُ الْإِنْسَانُ وَصِيَّتَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ كَذَلِكَ عِنْدَ الْحَجِّ وَكَمَا يَزُكُّ عَلَى رَاحِلَتِهِ يُحْمَلُ عَلَى الْجَنَازَةِ وَكُلُّ امْرِيٍّ يَوْمًا سَيَزُكُّ كَارِهًا عَلَى النَّعْشِ أَعْنَاقَ الْعَدِيِّ وَالْأَقَارِبِ وَإِذَا دَخَلَ الْبَادِيَةَ فَكَأَنَّمَا أُدْخِلَ قَبْرَهُ وَالِاغْتِسَالُ لِلْإِحْرَامِ كَغُشْلِ الْمَيِّتِ وَلُبْسُ ثِيَابِ الْإِحْرَامِ كَالْكَفَنِ وَإِذَا خَرَجَ مِنَ الْمِيقَاتِ فَكَأَنَّهُ نُشِرَ مِنْ قَبْرِهِ وَالتَّلْبِيَةُ إِجَابَةُ الدُّعَاءِ وَيُرَى أَشْعَثَ أَعْبَرَ فَكَأَنَّهُ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ

وَ كَلَّمَا سَلَكَ عَقَبَهُ يَذُكُرُ عَقَبَاتِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَعَلَّهُ يُكْفَاهَا. (۱)

قطب راوندی در کتاب لب اللباب می نویسد از معصومین روایت شده است که احوال حج همانند احوال مرگ است. همانگونه که هنگام مرگ وصیت نامه می نویسد هنگام حج نیز، و همانگونه که بر مرکب سوار می شود بر تابوت و دوش مردم سوار می گردد. سرانجام هر انسانی روزی تابوتش بر دوش دوستان و

ص: ۱۳

خویشانش حمل می گردد. هنگامی که به بادیه و دیاری می رسد تو گویی در قبرش داخل شده و چون غسل احرام کند مانند غسل میت است و پوشیدن لباس احرام بمانند پوشیدن کفن و بیرون آمدن از میقات شبیه بر خاستن از قبر است که تلبیه گویان با سر و روی غبار آلوده اجابت می کند دعوت خدا را و از قبر برمی خیزد. هر عقبه و گردنه ای که پشت سر می گذارد به یاد عقبه های قیامت می افتد که همانند این عقبه هاست.

حج، آزمون مردم و آمرزشگاه خلق

عِيسَىٰ بْنِ يُونُسَ قَالَ كَانَ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ مِنْ تَلَامِيذِهِ الْحَسَنِ الْبَصِيرِيَّ فَأَنْحَرَفَ عَنِ التَّوْحِيدِ وَقَدِمَ مَكَّةَ مُتَمَرِّدًا وَإِنْكَارًا عَلَىٰ مَنْ يُحُجُّ وَكَانَ يَكْرَهُ الْعُلَمَاءَ مُجَالَسَتَهُ وَمُسَاءَلَتَهُ لِحُبِّهِ لِسَانِهِ وَفَسَادِ ضَمِيرِهِ فَأَتَىٰ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَلَسَ إِلَيْهِ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ نُظَرَائِهِ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ الْمَجَالِسَ أَمَانَاتٌ وَ لَا بُدَّ لِكُلِّ مَنْ بِهِ سِعَالٌ أَنْ يَسْجُلَ أَ فَتَأْذَنُ فِي الْكَلَامِ فَقَالَ تَكَلَّمْ فَقَالَ إِلَىٰ كَمْ تَدُوسُونَ هَذَا الْبَيْدَرَ (۱) وَ تَلُوذُونَ بِهَذَا الْحَجَرِ وَ تَعْبُدُونَ هَذَا الْبَيْتَ

ص: ۱۴

۱- و فی الحدیث قال ابن ابی العوجاء إلى کم تدوسون هذا البیدر؟ یعنی بذلک الکعبه المشرفه و الطائفین بها استهزاء و إنکارا، فشبهم بالحيوانات التي لا تعقل تدور بیدر الطعام. (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۱۶) بیدر به ظرفی گفته می شود که در آن طعام را می کوبند (یانه)

الْمَعْمُورِ بِالطُّوبِ وَالْمَدْرِ وَتَهْرُوْلُونَ حَوْلَهُ هَزَوْلَهُ الْبَعِيرِ إِذَا نَفَرَ؟ إِنَّ مَنْ فَكَّرَ فِي هَذَا وَقَدَّرَ عِلْمَ أَنَّ هَذَا فِعْلٌ أَسَّسَهُ غَيْرٌ حَكِيمٌ وَلَا ذِي نَظَرٍ، فَقُلْ، فَإِنَّكَ رَأْسُ هَذَا الْأَمْرِ وَسَيَانَمُهُ وَأَبُوكَ أَسُّهُ وَتَمَامُهُ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مَنْ أَضَلَّهُ اللَّهُ وَأَعَمَّى قَلْبَهُ اسْتَوَخَمَ الْحَقَّ وَلَمْ يَسْتَعِذْ بِهِ وَصَارَ الشَّيْطَانُ وَلِيُّهُ وَرَبُّهُ وَقَرِينُهُ يُورِدُهُ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ ثُمَّ لَا يُصَدِّرُهُ وَهَذَا بَيْتٌ اسْتَعْبَدَ اللَّهُ بِهِ خَلْقَهُ لِيُخْتَبِرَ طَاعَتَهُمْ فِي إِيْتِيَانِهِ فَحَثَّهُمْ عَلَى تَعْظِيمِهِ وَزِيَارَتِهِ وَجَعَلَهُ مَحَلًّا أَنْبِيَاءِهِ وَقَبْلَةً لِلْمُصَلِّينَ إِلَيْهِ فَهُوَ شُعْبَةٌ مِنْ رِضْوَانِهِ وَطَرِيقٌ يُؤَدِّي إِلَى غُفْرَانِهِ مَنْصُوبٌ عَلَى اسْتِوَاءِ الْكَمَالِ وَمَجْمَعُ الْعُظْمَةِ وَالْجَلَالِ خَلَقَهُ اللَّهُ قَبْلَ دَحْوِ الْأَرْضِ بِالْفَنَى عَامٍ فَأَحَقُّ مَنْ أُطِيعَ فِيمَا أَمَرَ وَانْتَهَى عَمَّا نَهَى عَنْهُ وَزَجَرَ اللَّهُ الْمُنْشِئُ لِلْأَرْوَاحِ وَالصُّورِ» (١)

عیسی بن یونس گفت: عبد الکریم بن ابی العوجا از شاگردان حسن بصری بود که از اسلام برگشت و منحرف شد. وی در حال ارتداد و سرکشی به مکه آمد، برای این که حج گزاران را سرزنش کند. به سبب بدزبانی و عقاید فاسدش دانشمندان از مجالست و همنشینی او پرهیز می کردند. در مکه با جماعتی از همفکرانش به نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: آنچه در این

ص: ۱۵

مجلس رد و بدل می شود باید به امانت بماند و جایی نقل نشود. هر کسی که سرفه در گلویش گیر کرده باید سرفه کند تا راه نفسش باز شود، آیا اجازه می دهید با شما سخنی بگویم؟ امام علیه السلام فرمود: «سخن بگو.»

ابن ابی العوجا گفت: تا به کی به گرد این بنا می گردید و به این سنگ ها پناه می آورید؟ و عبادت می کنید این خانه ای را که از سنگ و گل ساخته شده و مانند شتران دور آن هروله

می روید؟ کسی که در این اعمال فکر کند و دقیق شود می فهمد که این کار را موجود حکیم و صاحب درایت و فکر بنا نهاده است. تو که رئیس این دین هستی و قله مرتفع آنی و پدرت پیامبر بنیانگذار و کامل کننده آن بوده پاسخ بده چه علتی در زیارت خانه خدا میباشد؟

برخورد حکیمانه با کج اندیشان

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کسی را خداوند گمراه کند و قلبش را کور نماید، پذیرش حق بر او سنگین و ناگوار خواهد بود. وی به خدا پناهنده نشده و شیطان یاور و رب و همنشین او خواهد شد و او را به آبخورهای هلاکت وارد کرده و او را باز نمیگرداند.»

خداوند با بنای این خانه، از بندگانش خواست تا او را عبادت کنند تا آنان را در بندگی و فرمانبری آزمایش کند، پس آنان را به زیارت و تعظیم این خانه فراخواند و آن را محل پیامبران و قبله گاه نمازگزاران قرار داد. این خانه شعبه ای از رضوان خدا و طریقی برای آمرزش گناهان است. در کمال اعتدال بنا شده و محل اجتماع عظمت و جلال است. خداوند دو هزار سال قبل از آن که زمین را بگستراند، این خانه را آفرید. سزاوارترین

موجودی که در امر و نهی باید اطاعت شود خداوندی است که ارواح و صورت ها را ایجاد کرد.»

آزمایش خلق با سختی و بلا

وَرُويَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي خُطْبِهِ لَهُ: وَ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ بِأَنْبِيَائِهِ حَيْثُ بَعَثَهُمْ أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كُنُوزَ الدُّهْبَانِ وَ مَعَادِنَ الْعَقِيَّانِ وَ مَغَارِسَ الْجِنَانِ وَ أَنْ يَحْشُرَ طَيْرَ السَّمَاءِ وَ وَحْشَ الْأَرْضِ مَعَهُمْ لَفَعَلَ وَ لَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبَلَاءُ وَ بَطَلَ الْجَزَاءُ وَ اضْمَحَلَّتِ الْأَنْبَاءُ وَ لَمَّا وَجَبَ لِلْقَائِلِينَ أُجُورُ الْمُبْتَلِينَ وَ لَا لِحَقِّ الْمُؤْمِنِينَ ثَوَابُ الْمُحْسِنِينَ وَ لَا لَزِمَتِ الْأَسْمَاءُ أَهَالِيهَا عَلَى مَعْنَى مُبِينٍ وَ لِذَلِكَ لَوْ أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ وَ لَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبَلَاؤُ عَنِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أَوْلَى قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِ نَبَاتِهِمْ وَ ضَعَفَهُ فِيمَا تَرَى الْأَعْيُنُ

ص: ۱۷

مِنْ حَالَتِهِمْ مِنْ قَنَاعِهِ تَمَلُّماً الْقُلُوبَ وَالْعُيُونَ غَنَاؤُهُ وَخِصَاصِهِ تَمَلُّماً الْأَسِيْمَاعَ وَالْأَبْصَارَ أَذَاؤُهُ وَ لَوْ كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ أَهْلَ قُوَّةٍ لَأُتْرِمُوا وَعَزَّهُ لَمَّا تَضَامُوا وَمُلْكِكُ يَمِيدُ نَحْوَهُ أَعْنَاقُ الرِّجَالِ وَيُشَدُّ إِلَيْهِ عُقَدُ الرِّجَالِ لَكَانَ أَهْوَنَ عَلَى الْخَلْقِ فِي الْإِخْتِيَارِ وَأَبْعَدَ لَهُمْ فِي الْإِسِيْمَاتِ تِكْبَارِ وَلَا حَمْنُوا عَنْ رَهْبِهِ قَاهِرِهِ لَهُمْ أَوْ رَغْبِهِ مَائِلِهِ بِهِمْ فَكَانَتْ النَّبِيَّاتُ مُشْتَرَكَةً وَالْحَسَنَاتُ مُقْتَسِمَةً وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ الْإِتْبَاعَ لِرُسُلِهِ وَ التَّصَدِيقُ بِكُتُبِهِ وَ الْخُشُوعُ لَوَجْهِهِ وَ الْإِسِيْمَاتُ لَأَمْرِهِ وَ الْإِسْتِسْلَامُ لِطَاعَتِهِ أُمُوراً لَهُ خَاصَةً لَا تَشُوبُهَا مِنْ غَيْرِهَا شَائِبَةٌ وَ كَلِمَةً كَمَا نَتِ الْبَلْوَى وَ الْإِخْتِيَارُ أَعْظَمُ كَمَا نَتِ الْمَثُوبَةُ وَ الْجَزَاءُ أَجْزَلُ أَلَمَّا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ حَيَّلَ تَنَاؤُهُ إِخْتِيَارَ الْمَأْوِلِينَ مِنْ لَعْدِنِ آدَمَ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَ لَا تَنْفَعُ وَ لَا تُبْصِرُ وَ لَا تَسِيْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَاماً ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا وَ أَقْلُ تَنَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا وَ أَضْيَقُ بَطُونِ الْأَوْدِيَةِ مَعَاشًا وَ أَغْلَظُ مَحَالِّ الْمُسْلِمِينَ مِيَاهًا بَيْنَ جِبَالٍ خَشِنَةٍ وَ رِمَالٍ دَمْتِهِ وَ عُيُونٍ وَ شِلَهٍ وَ قُرَى مُنْقَطِعَةٍ وَ أَثَرٍ مِنْ مَوَاضِعِ قَطْرِ السَّمَاءِ دَائِرٍ لَيْسَ يَرْكُوبُهُ خُفٌّ وَ لَا ظِلْفٌ وَ لَا حَافِزٌ ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ وَ وُلْدَهُ أَنْ يَشْنُوا أَعْطَفَهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَثَابَهُ لِمُنْتَجِعِ أَسِيْفَارِهِمْ وَ غَايَةَ لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْئِدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ قِفَارٍ مُتَّصِلَةٍ وَ جَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعَةٍ وَ مَهَاوِي فِجَاجٍ عَمِيقَةٍ حَتَّى يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يُهْلَلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ وَ يَرْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ

شَعْنًا غَيْرًا لَهُ قَدْ نَبَذُوا الْقُنْعَ وَالسَّرَابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَحَسَدُوا بِالشُّعُورِ حَلْقًا عَن رُءُوسِهِمْ ائِبْلَاءً عَظِيمًا وَ اِخْتِبَارًا كَبِيرًا وَ اِمْتِحَانًا شَدِيدًا وَ تَمَحِيصًا بَلِيغًا وَ قُنُوتًا مُبِينًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَ وُضِيْلَهُ وَ وَسِيْلَهُ اِلَى جَنَّتِهِ وَ عَلَيْهِ لِمَغْفِرَتِهِ وَ ائِبْلَاءً لِخَلْقِ بِرَحْمَتِهِ وَ لَوْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ

وَ مَشَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَاتٍ وَ اَنْهَارٍ وَ سِهْلٍ وَ قَرَارٍ جَمَّ الشُّجَارِ دَانِي الثُّمَارِ مُلْتَفَّ النَّبَاتِ مُتَّصِلَ الْقَرَى مِنْ بُرِّهِ سِهْمَاءَ وَ رَوْضَهُ خَضِرَاءَ وَ اَرْيَافٍ مُعَدَّقَةٍ وَ عِرَاصٍ مُعَدَّقَةٍ وَ زُرُوعٍ نَاضِرَةٍ وَ طُرُقٍ عَامِرَةٍ وَ حَدَائِقَ كَثِيرَةٍ لَكَانَ قَدْ صَيَّرَ الْجَزَاءَ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ ثُمَّ لَوْ كَانَتِ الْاَسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْاَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمُرَدِهِ خَضِرَاءَ وَ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشُّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوْضَعَ مُجَاهِدَةً اِئْبِلَسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَلِجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَخْتَبِرُ عِبِيدَهُ بِاَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِالْاَلْوَانِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ اِخْرَاجًا لِلتَّكْبُرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ اِسْتِكَاثًا لِلتَّنَدُّلِ فِي اَنْفُسِهِمْ وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ اَبْوَابًا فَتْحًا اِلَى فَضْلِهِ وَ اَسْبَابًا ذُلًّا لِعَفْوِهِ وَ فِتْنَةً كَمَا قَالَ: (الم. ا حَسَبَ النَّاسِ اَنْ يُتْرَكُوا اَنْ يَقُولُوا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ. وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوا وَ لْيَعْلَمَنَّ الْكَٰذِبِيْنَ).» (١)

ص: ١٩

ارسال پیامبران و آزمایش خلق

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه قاصعه فرمود: «اگر خداوند می خواست بهنگام مبعوث ساختن پیامبران، درهای گنجها و معادن طلا و باغهای خرم و سرسبز را به روی آنان بگشاید، می گشود، و اگر می خواست پرندگان آسمان و حیوانات وحشی زمین را همراه آنان گسیل دارد، می داشت، اگر این کار را می کرد امتحان از میان می رفت، پاداش و جزاء بی اثر می شد و وعده ها و وعیدهای الهی بی فائده می گردید، و برای پذیرندگان اجر و پاداش آزمودگان واجب نمی شد، و مؤمنان استحقاق ثواب نیکوکاران را نمی یافتند، و اسماء و نامها با معانی خود همراه نبودند (یعنی هیچگاه نمی شد به یک مؤمن حقیقتاً مؤمن گفت زیرا او به خاطر قدرت و مکنت پیامبران اظهار ایمان می کرد)».

اوصاف پیامبران برای آزمایش خلق

«لیکن خداوند پیامبران خویش را از نظر عزم و اراده، قوی، و از نظر ظاهر فقیر و ضعیف قرار داد، ولی توام با قناعتی که قلب ها و چشم ها را پر از بی نیازی می کرد هر چند فقر و ناداری ظاهری آن ها چشم ها و گوشها را از ناراحتی مملو می ساخت.

اگر پیامبران دارای آن چنان قدرتی بودند که کسی خیال مخالفت با آنان را نمی کرد و توانائی و عزتی داشتند که هرگز

مغلوب نمی شدند، و سلطنت و شوکتی دارا بودند که همه چشمها به سوی آنان بود و از راههای دور، بار سفر به سوی آنان بسته می شود، هر آینه برای برای مردم امتحان آسانتر و سر باز زدن از ایمان کمتر بود و متکبران سر تعظیم در برابرشان فرود می آوردند، و اظهار ایمان می نمودند؛ اما به خاطر ترسی که بر آن ها چیره می شد و یا به واسطه میل و علاقه ای که به مادیات آنها داشتند و در این صورت در نیت ها خلوص یافت نمی شد، و غیر از خداوند جنبه های دیگری نیز در اعمالشان شرکت داشت، و با انگیزه های گوناگون به سراغ نیکی ها می رفتند.

ولی خداوند اراده کرده که: پیروی از پیامبرانش، و تصدیق کتابهایش، و خضوع و فروتنی در برابر فرمانش و تسلیم محض در اطاعتش، اموری ویژه و مخصوص او باشند، و چیز دیگری با آنها آمیخته نگردد.

و هر قدر امتحان و آزمایش بزرگتر و مشکل تر باشد، ثواب و پاداش گران قدرتر و بیشتر خواهد بود.

کعبه آزمونی برای خلق

کعبه، خانه پاک خدا مگر نمی بینید خداوند انسانها را از زمان آدم تا انسان های آخرین این جهان، با سنگهایی که نه زیان می رسانند و نه نفع می بخشند، نه می بینند و نه می شنوند آزمایش

نموده این سنگ ها را خانه محترم خود قرار داده، و آن را موجب پایداری و پا بر جایی مردم گردانیده است. سپس آن را در پر سنگلاخ ترین مکان ها و بی گیاه ترین نقاط زمین، و کم فاصله ترین دره ها قرار داد. در میان کوههای خشن، رملهای فراوان، چشمه های کم آب، و آبادی های از هم جدا و پر فاصله، که نه شتر، و نه اسب و گاو و گوسفند هیچکدام در آن به راحتی زندگی نمی کنند و سپس آدم و فرزندانش را فرمان داد که به آن سو توجه کنند و آن را مرکز تجمع و سر منزل مقصود و باراندازشان گردانید، تا افراد از اعمال قلب به سرعت از میان فلات و دشت های دور، و از درون وادیها و دره های عمیق، و جزائر از هم پراکنده ی دریاها، به آن جا روی آوردند، تا به هنگام سعی شانه ها را حرکت دهند و لا اله الا الله گویان اطراف خانه طواف کنند، و با موهای آشفته و بدن های پر گرد و غبار به سرعت حرکت کنند، لباسهائی که نشانه شخصیت ها است کنار انداخته و با اصلاح نکردن موها قیافه خود را تغییر دهند.

این آزمونی بزرگ، امتحانی شدید و آزمایشی آشکار و پاکسازی و خالص گردانیدنی موثر است که خداوند آنرا سبب رحمت و رسیدن بهشتش قرار داده است.

اگر خداوند خانه محترمش و محل های انجام وظائف حج را در میان باغها و نهرها و سرزمینهای هموار و پر درخت و پر ثمر،

مناطق آباد و دارای خانه و کاخهای بسیار و آبادی های به هم پیوسته، در میان گندم زارها و باغهای خرم و پر گل و گیاه، در میان بستان های زیبا و پر طراوت و پر آب، در وسط باغستانی بهجتزا و جاده های آباد قرار می داده به همان نسبت که آزمایش و امتحان ساده تر بود پاداش و جزاء نیز کمتر بود.

و اگر پی و بنیان خانه «کعبه» و سنگ هائی که در بنای آن بکار رفته از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنائی بود شک و تردید دیرتر در سینه های (ظاهر بینان) رخنه می کرد و کوشش ابلیس بر قلبها کمتر اثر می گذاشت و وسوسه های پنهانی از مردم منتفی می گشت.

اما خداوند بندگانش را با انواع شدائد می آزماید و با انواع مشکلات دعوت به عبادت می کند و به اقسام گرفتاریها مبتلا می نماید تا تکبر را از قلبهایشان خارج سازد، و خضوع و آرامش را در آنها جایگزین نماید و بابهای فضل و رحمتش را به رویشان بگشاید و وسائل عفو خویش را به آسانی در اختیارشان قرار دهد همان گونه که فرمود: ایا مردم گمان می کنند گفتند ایمان آوردیم، آزمایش نمی شوند؟ کسانی که

پیش از آنان بودند امتحان کردیم تا خدا راستگویان را از دروغگویان بشناسد.»

راز احرام از مسجد شجره

قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ أُحْرِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ وَ لَمْ يُحْرَمِ مِنْ مَوْضِعٍ دُونَهُ؟ فَقَالَ: «لِأَنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ صَارَ بِحِذَاءِ الشَّجَرَةِ نُودِيَ يَا مُحَمَّدُ؛ قَالَ: لَيْتَنِيكَ. قَالَ: أَلَمْ أَجِدْكَ يَتِيمًا فَأَوْثَيْتُكَ وَ وَجِدْتُكَ ضَالًّا فَهَدَيْتُكَ؟ فَقَالَ: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ وَ الْمُلْكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَلِذَلِكَ أُحْرِمَ مِنَ الشَّجَرَةِ دُونَ الْمَوَاضِعِ كُلِّهَا.» (۱)

از امام صادق علیه السلام از راز احرام در مسجد شجره پرسیده شد، امام فرمود: «وقتی پیامبر به معراج برده شد، زمانی که برابر شجره رسید، ندا داده شد ای محمد، آن حضرت فرمود: لبتک. ندا رسید آیا ترا یتیم نیافتم پس پناه دادم و گمشده نیافتم راهنمایت کردم؟ پیامبر پاسخ داد: همانا حمد و نعمت و پادشاهی از آن تو می باشد شریکی برایت نیست. به همین جهت از مسجد شجره احرام بست نه جای دیگر.»

غسل احرام و پاک شدن از آلودگی‌ها

ثُمَّ اغْسِلْ بِمَاءٍ التَّوْبَةِ الْخَالِصِ دُنُوبَكَ وَ الْبَسْ كِسْوَةَ الصِّدْقِ وَ الصِّفَاءِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْخُشُوعِ وَ أُحْرِمَ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ يَمْنَعُكَ مِنْ

ص: ۲۴

ذَكَرَ اللَّهُ وَيَحُجُّبُكَ عَنْ طَاعَتِهِ وَ لَبَّ بِمَعْنَى إِجَابِهِ صَافِيهِ خَالِصِهِ زَاكِيهِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي دَعْوَتِكَ مُتَمَسِّكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى. (۱)

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه فرمود: «با آب توبه خالص گناهانت را بشوی و لباس صدق و صفا، خضوع و خشوع را به تن کن و از هر چیزی که مانع تو از یاد خدا و حجاب تو از طاعت او می گردد، احرام بند و لیبیک بگو به این معنا که دعوت تو را اجابت می کنم اجابتی صاف و خالص و پاکیزه و خالی از ریا و خودنمایی و غل و غشی و به ریسمان محکمت چنگ می زنم.»

کندن لباس معصیت در میقات

فَقَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ: «أَنْزَلَتْ الْمِيقَاتُ وَ تَجَرَّدَتْ عَنْ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَ اغْتَسَلَتْ؟» قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ نَزَلَتْ الْمِيقَاتُ نَوَيْتَ أَنَّكَ خَلَعْتَ ثَوْبَ الْمُعْصِيَةِ وَ لَبِسْتَ ثَوْبَ الطَّاعَةِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ:

فَحِينَ تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ ثِيَابِكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَجَرَّدْتَ مِنَ الرِّيَاءِ وَ النِّفَاقِ وَ الدُّخُولِ فِي الشُّبُهَاتِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ اغْتَسَلْتَ نَوَيْتَ

ص: ۲۵

۱- مصباح الشریعه ص: ۴۷.

أَنْتَكَ اغْتَسَلْتَ مِنَ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا نَزَلَتْ الْمِيقَاتُ وَلَا تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَلَا اغْتَسَلْتَ.» (۱)

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: «آیا به میقات آمدی، لباس دوخته از تن درآوردی و غسل احرام انجام دادی؟

فرمود: هنگام درآوردن لباس قصد کردی لباس معصیت بدر آوری و لباس طاعت بپوشی؟ گفت: نه. فرمود: وقتی لباس دوخته را کندی نیت کردی ریا و نفاق و شبهه را از خود بکنی؟ گفت: نه. فرمود: وقتی غسل کردی قصد کردی خود را از خطا و گناهان بشویی؟ گفت: نه. فرمود: پس به میقات نرفته ای و لباس دوخته نکنده ای و غسل نموده ای.

زدودن ناپاکی‌ها و پیمان‌های غیر خدایی

ثُمَّ قَالَ: تَنْظَفْتُ وَأَحْرَمْتُ وَعَقَّدْتُ بِالْحَجِّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ تَنْظَفْتُ وَأَحْرَمْتُ وَعَقَّدْتُ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنْتَكَ تَنْظَفْتُ بِنُورِهِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ لِلَّهِ تَعَالَى؟

قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ أَحْرَمْتُ نَوَيْتَ أَنْتَكَ حَرَمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ مُحَرَّمٍ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ عَقَّدْتُ الْحَجَّ

ص: ۲۶

نَوَيْتَ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ كُلَّ عَقْدٍ لِغَيْرِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: لَهُ مَا تَنْظُفُتَ وَلَا أُحْرَمْتَ وَلَا عَقَدْتَ الْحَجَّ.

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا داروی نظافت برای زدودن موهای زاید استفاده کردی و احرام و پیمان حج را بستی؟ گفت: آری. فرمود: آیا نیت کردی با داروی توبه خالص برای خدا جان خود را پاکیزه کنی؟ گفت: نه.

فرمود: آن زمان که نیت احرام کردی قصد نمودی بر خودت هر عملی را که خداوند حرام کرده حرام کنی؟ گفت: نه. فرمود: در هنگام عقد احرام تصمیم گرفتی هر پیمان غیر خدایی را برهم زنی؟ گفت: نه فرمود: پس نظافت نکرده ای و محرم نشده ای و پیمان حج استوار ننموده ای.

عقد احرام پیمان با خدا

قَالَ: لَهُ أَ دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ صَلَّيْتَ رَكَعَتِي الْإِحْرَامِ وَ لَبَّيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ بَيْنَهُ الزِّيَارَةَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ الرَّكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ بِخَيْرٍ

الْأَعْمَالِ مِنَ الصَّلَاةِ وَ أَكْبَرِ حَسَنَاتِ الْعِبَادِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ لَبَّيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ نَطَقْتَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ بِكُلِّ طَاعَةٍ وَ صُمْتَ عَنْ كُلِّ

مَعْصِيَةٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ لَهُ: مَا دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَلَا صَلَّيْتَ وَلَا كَيْتَ.»

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: به میقات داخل شدی و نماز احرام خواندی و لبیک گفتی؟ گفت: آری. فرمود: آیا هنگام ورود به میقات نیت زیارت خدا کردی؟ گفت: نه. فرمود: زمانی که نماز احرام خواندی در نظر گرفتی که تو با بهترین اعمما و بزرگ ترین کار نیک بندگان به خدا تقرب می جویی؟ گفت: نه. فرمود: هنگامی که لبیک گفتی قصد کردی که با خدا سخن می گویی در هر طاعتی و لب فرو می بندی از هر معصیتی؟ گفت: نه فرمود: پس به میقات وارد نشده ای نماز نخواندی و لبیک نگفته ای.

احرام به جای قربانی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ إِذَا قَرَّبَتِ الْقُرْبَانَ تَخْرُجُ نَارٌ تَأْكُلُ قُرْبَانَ مَنْ قَبْلَ مِنْهُ وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْإِحْرَامَ مَكَانَ الْقُرْبَانِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه بنی اسرائیل قربانی به پیشگاه خدا تقدیم می کردند آتشی می آمد و قربانی کسی را که

ص: ۲۸

قربانی اش قبول شده بود، می خورد؛ خداوند احرام را به جای قربانی در این امت گذاشت.»

قصد زیارت خدا

ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَدْخَلْتَ الْحَرَمَ وَرَأَيْتَ الْكُعبَةَ وَصَلَّيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ دَخَلْتَ الْحَرَمَ نَوَيْتَ أَنَّكَ حَرَمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ غَيْبِهِ تَسْبِيغِيهَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ وَصَلْتَ مَكَّةَ نَوَيْتَ بِقَلْبِكَ أَنَّكَ قَصَدْتَ اللَّهَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ وَلَا رَأَيْتَ الْكُعبَةَ وَلَا صَلَّيْتَ.

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا به حرم داخل شدی، کعبه را دیدی، نماز تحیت خواندی؟ گفت: آری. فرمود وقتی وارد حرم شدی نیت کردی بر خودت حرام کنی هر غیبتی از مسلمانان و اهل اسلام را؟ گفت: نه. فرمود: وقتی به مکه رسیدی در قلبت نیت کردی که خدا را قصد نموده ای؟ گفت: نه. پس فرمود: نه به حرم وارد شده ای نه کعبه را دیده ای و نه نماز خوانده ای.

ص: ۲۹

طواف دل همراه با ملائکه

قال الصادق عليه السلام «و طُفَّ بِقَلْبِكَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ كَطَوَافِكَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ بِنَفْسِكَ حَوْلَ الْبَيْتِ وَ هَزُولَ هَرَبًا مِنْ هَوَاكَ وَ تَبَرِّيًّا مِنْ جَمِيعِ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ.» (۱)

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه فرمود: « در هنگام طواف خانه خدا، با قلبت همراه ملائکه به دور عرش خدا طواف کن همانگونه که با بدنت همراه مسلمانان اطراف کعبه می گردی. و با هروله رفتنت از هوا و هوس بگریز و از نیرو و توانت جدا شو و تبری جو.»

فرار به سوی خدا

ثُمَّ قَالَ: طُفَّتْ بِالْبَيْتِ وَ مَسَّتْ الْأَرْكَانَ وَ سَعَيْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ سَعَيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ هَرَبْتَ إِلَى اللَّهِ وَ عَرَفَ مِنْكَ ذَلِكَ عَلَّامٌ

الْغُيُوبِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا طُفَّتْ بِالْبَيْتِ وَ لَا مَسَّتْ الْأَرْكَانَ وَ لَا سَعَيْتَ .

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: کعبه را طواف کردی و ارکان آن را لمس نمودی و سعی انجام دادی؟ گفت: آری. فرمود: هنگام سعی به سوی خدا فرار کردی و علام الغیوب این قصد تو

ص: ۳۰

را دانست؟ گفت: نه. پس فرمود: نه طواف کرده‌ای و نه لمس ارکان و نه سعی .

بیعت با خدا و اقتدا به ابراهیم علیه السلام

ثُمَّ قَالَ لَهُ: صَافَحْتَ الْحَجَرَ وَ وَقَفْتَ بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ صَلَّيْتَ بِهِ رَكَعَتَيْنِ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَصَاحَ صَيْحَةً كَادَ يُفَارِقُ الدُّنْيَا، ثُمَّ قَالَ: آه آه. ثُمَّ قَالَ: مَنْ صَافَحَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقَعَدَ صَافَحَ اللَّهَ تَعَالَى، فَانظُرُوا يَا مَسْكِينُ لِمَا تُضَيِّعُ أَجْرَ مَا عَظُمَ حُرْمَتُهُ وَ تَنْقُضُ الْمُصِيفَةَ بِالْمُخَالَفَةِ وَ قَبْضَ الْحَرَامِ نَظِيرَ أَهْلِ الْأَثَامِ. ثُمَّ قَالَ: نَوَيْتَ حِينَ وَقَفْتَ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّكَ وَقَفْتَ عَلَى كُلِّ طَاعَةٍ وَ تَخَلَّفْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ بِصَلَاةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

أَرْغَمْتَ بِصَلَاتِكَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ لَهُ: فَمَا صَافَحْتَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ لَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْمَقَامِ وَ لَا صَلَّيْتَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ.

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: با حجر الاسود دست دادی و در مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی و در آنجا نماز خواندی؟ گفت: آری. امام ناله ای زد که نزدیک بود از دنیا برود سپس فرمود: آه آه هر که با حجر الاسود دست بدهد با خدا دست داده است، ای

بیچاره نگاه کن پاداش این عملی که احترامش زیاد است ضایع نکنی و پیمان را با مخالفت و گرفتن اشیای حرام همانند گناهکاران نقض نکنی. آیا هنگامی که در مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی قصد کردی که به هر طاعتی رو آوری و به هر معصیتی پشت کنی؟ گفت: نه فرمود: وقتی در مقام ابراهیم علیه السلام نماز خواندی نیت کردی به نماز ابراهیم علیه السلام اقتدا می کنی؟ با نمازت بینی شیطان را به خاک مالیدی؟ گفت: نه. فرمود: نه با حجر الاسود دست داده ای نه در مقام ابراهیم علیه السلام ایستاده ای و نه نماز خوانده ای.

ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَشْرَفْتَ عَلَى بئرِ زَمْزَمَ وَ شَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: نَوَيْتَ أَنَّكَ أَشْرَفْتَ عَلَى الطَّاعَةِ وَ غَضَّضْتَ طَرْفَكَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا أَشْرَفْتَ عَلَيْهَا وَ لَا شَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا؟

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا بر سر چاه زمزم آمدی و از آب آن آشامیدی؟ گفت: آری. فرمود: آیا نیت کردی بر طاعت پروردگارت باشی و از معصیت چشم پوشی؟ گفت: نه. فرمود: پس نه بر چاه زمزم رفته ای و نه از آب آن نوشیده ای.

زمزم، داروی شفا بخش

إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَاءُ زَمْزَمَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَظْنُهُ قَالَ كَائِنًا مَا كَانَ. (۱)

اسماعیل بن جابر گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «آب زمزم شفای هر دردی است». گمان می کنم که فرمود: هر دردی که باشد.

وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَاءُ زَمْزَمَ شِفَاءٌ لِمَا شُرِبَ لَهُ.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «آب زمزم را به نیت شفای هر دردی که بیاشامی شفای آن است.»

خوف و رجاء در مسعی

در حدیث شبلی آمده است: مِمَّ قَالَ لَهُ: أَسَعَيْتَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَ مَشَيْتَ وَ تَرَدَّدْتَ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ لَهُ: نَوَيْتَ أَنْتَ بَيْنَ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا سَعَيْتَ وَ لَا مَشَيْتَ وَ لَا تَرَدَّدْتَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا بین صفا و مروه سعی انجام دادی و رفت و آمد کردی؟ گفت: آری. فرمود: آیا در نظر

ص: ۳۳

گرفتی که بین خوف و رجا باشی؟ گفت: نه. فرمود: پس سعی انجام نداده ای و بین صفا و مروه رفت و آمد نداشته ای.

اعتراف پاکان به تقصیر

عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ عَرَفَاتٍ، لِمَ سُمِّيَتْ عَرَفَاتٍ فَقَالَ: «إِنَّ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ بِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ فَلَمَّا زَالَتِ الشَّمْسُ، قَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِبْرَاهِيمُ اعْتَرِفْ بِعَدْتِكَ وَاعْرِفْ مَنَاسِكَكَ فَسُمِّيَتْ عَرَفَاتٍ لِقَوْلِ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ اعْتَرِفْ فَاعْتَرَفَ.» (۱)

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام از علت نام عرفات پرسید، امام فرمود: «جبرائیل در روز عرفه ابراهیم با به این سرزمین آورد و

هنگام زوال آفتاب به او گفت: ای ابراهیم به گناهت اعتراف کن و مناسکت را بشناس. از این رو به آن عرفات گفتند.»

تجدید پیمان با خدا در عرفات

وَاعْتَرِفْ بِالْخَطَايَا بِعَرَفَاتٍ وَجَدُّ عَهْدَكَ عِنْدَ اللَّهِ بِوَحْدَانِيَّتِهِ

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه فرمود: «به خطا و اشتباهات در عرفات اعتراف کن و پیمان را نزد خدا و وحدانیت او تجدید نما.»

ص: ۳۴

ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَوْقَفْتَ الْوَقْفَةَ بِعَرَفَةَ وَ طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَ عَرَفْتَ وادى نمره وَ دَعَوْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْمَيْلِ وَ الْجَمْرَاتِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: هَيْلَ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِكَ بِعَرَفَةَ مَعْرِضَهُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمْرَ الْمَعَارِفِ وَ الْعُلُومِ وَ عَرَفْتَ قَبْضَ اللَّهِ عَلَى صِيحِفَتِكَ وَ اِطْلَاعَهُ عَلَى سَرِيرَتِكَ وَ قَلْبِكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: نَوَيْتَ بِطُلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ يَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ نَمْرَةَ أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ حَتَّى تَأْتِمَرَ وَ لَا تَرْجُرُ حَتَّى تَنْزَجِرَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَ

مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعِلْمِ وَ النَّمِرَاتِ نَوَيْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَكَ عَلَى الطَّاعَاتِ حَافِظَةٌ لَكَ مَعَ الْحَفَظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا وَقَفْتَ بِعَرَفَةَ وَ لَا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَ لَا عَرَفْتَ نَمْرَةَ وَ لَا دَعَوْتَ وَ لَا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمِرَاتِ.

امام سجاد عليه السلام به شبلی فرمود: آیا وقوفی در عرفات داشتی؟ بر جبل الرحمه بالا رفتی و وادی نمره را شناختی و خدا را نزد آن ستون و سنگ ها خواندی؟ گفت: آری. فرمود: آیا با وقوفت به عرفات به معرفت و شناخت خدا دست یافتی و دانستی که

نامه اعمال به دست خداوند است و او بر باطن و قلب تو آگاه است؟ گفت: نه.

آیا با بالا رفتن به جبل الرحمه در نظر گرفتی که خداوند به هر زن و مرد مؤمنی رحم می کند و امور هر زن و مرد مسلمانی را به عهده دارد؟ گفت: نه. آیا در گذرت به نمره تصمیم گرفتی تا به فرمان خدا عمل نکرده ای به کسی امر نکنی و تا نواهی خدا را امتثال نکرده ای کسی را از کاری منع نکنی؟ گفت: نه. فرمود: زمانی که نزد ستون و نمرات ایستادی آیا توجه داشتی که آنها همراه با کرام الکاتبین به امر خداوند شاهد بر اعمال تو هستند؟ گفت: نه. فرمود: پس به عرفه وقوف نکرده ای و بر جبل

الرحمه بالا نرفته ای و نمره را نشناخته ای و دعا نخوانده ای و بر نمرات نایستاده ای.

حصول قرب پس از اعتراف

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي حَدِيثِ إِبْرَاهِيمَ: «إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ انْتَهَى بِهِ إِلَى الْمَوْقِفِ فَأَقَامَ بِهِ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ أَفَاضَ بِهِ فَقَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ اذْذَلْفُ إِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَسَمِّتْ مُرْذَلَفَهُ.» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی که جبرئیل ابراهیم را برای وقوف، به عرفات آورد، تا غروب خورشید در آنجا اقامت کرد

ص: ۳۶

سپس از آنجا کوچ کردند. جبرئیل به ابراهیم گفت به مشعر الحرام نزدیک شو، از این رو به آن مزدلفه گفتند.

جمع بین دو نماز

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سُمِّيَتْ الْمُزْدَلِفَةُ جَمْعًا لِأَنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَعَ فِيهَا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ». (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «به مزدلفه جمع گفته شد زیرا آدم بین نماز مغرب و عشا جمع کرد.»

پرواز به سوی ملکوت

وَ تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ وَ اتَّقِهَ بِمُزْدَلِفَةَ وَ اصْعَدُ بِرُوحِكَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى بِصُغُودِكَ إِلَى الْجَبَلِ

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه فرمود: «به خدا نزدیک شو و تقوای او را در مزدلفه پیشه کن و با بالا رفتن بر کوه در مشعر الحرام روح را به سوی ساکنان عالم بالا پرواز ده.»

ص: ۳۷

ثُمَّ قَالَ: مَرَرْتُ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ وَصَلَّيْتُ قَبْلَ مُرُورِكَ رَكَعَتَيْنِ وَ مَشَيْتُ بِمُزْدَلِفَةَ وَ لَقَطْتُ فِيهَا الْحَصَى وَ مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَحِينَ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّهَا صِلَاةٌ شُكْرٌ فِي لَيْلِهِ عَشْرٌ تَنْفِي كُلِّ عُسْرٍ وَ تُيسِّرُ كُلَّ يُسْرٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَ مَا مَشَيْتَ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ وَ لَمْ تَعْدِلْ عَنْهُمَا يَمِينًا وَ شِمَالًا، نَوَيْتَ أَنْ لَمْ تَعْدِلْ عَنْ دِينِ الْحَقِّ يَمِينًا وَ شِمَالًا، لَمْ يَقْلِبْكَ وَ لَمْ يَلْسَازَكَ وَ لَمْ يَجْوَ رِحْكَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَ مَا مَشَيْتَ

بِمُزْدَلِفَةَ وَ لَقَطْتُ مِنْهَا الْحَصَى نَوَيْتَ أَنَّكَ رَفَعْتَ عَنْكَ كُلَّ مَعْصِيَةٍ وَ جَهْلٍ وَ تَبَّتْ كُلُّ عِلْمٍ وَ عَمَلٍ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَعِنْدَ مَا مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ نَوَيْتَ أَنَّكَ أَشْعَرْتَ قَلْبِكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ الْحَوْفِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا مَرَرْتُ بِالْعَلَمَيْنِ وَ لَمْ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ وَ لَمْ مَشَيْتَ بِالْمُزْدَلِفَةِ وَ لَمْ رَفَعْتَ مِنْهَا الْحَصَى وَ لَمْ مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ.

امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا بین دو ستون عبور کردی؟ و پیش از مرورت دو رکعت نماز خواندی؟ در مزدلفه راه رفتی و سنگریزه برچیدی و به مشعر الحرام گذر کردی؟ گفت: آری. فرمود: وقتی نماز می خواندی در نظر گرفتی این نماز شکر را در

شب دهم ذی حجه برای این می خوانی که این نماز هر سختی را دفع کند و هر آسانی را آسان نماید؟ گفت: نه.

فرمود: هنگامی که بین آن دو ستون راه می رفتی و به چپ و راست متمایل نمی شدی، آیا در نظر گرفتی که از دین حق با قلب و زبان و جوارحت ذره ای به چپ و راست متمایل نشوی؟ گفت: نه. فرمود: زمانی که در مشعر الحرام راه می رفتی و سنگریزه ها را از زمین بلند می کردی، آیا نیت کردی که هر معصیت و جهل و نادانی را از بین ببری و هر علم و عملی را در وجودت تثبیت کنی؟ گفت: نه.

فرمود: که در مشعر الحرام قدم می زدی آیا در نیت گرفتی که قلبت را با علامت اهل تقوا و خوف از خدای عزوجل علامت گذاری کنی؟ گفت: نه. فرمود: پس به دو علم عبور نکرده ای و نماز نخوانده ای و در مزدلفه راه نرفته ای و از آن سنگریزه بر نداشته ای و به مشعر الحرام مرور ننموده ای.

منا سرزمین آرزوهای حقیقی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: تَمَنَّ يَا إِبْرَاهِيمُ. فَكَانَتْ تُسَمِّي مُنَى فَسَمَّاها النَّاسُ مُنَى.»

بیان الظاهر أن الأول بضم الميم على صيغه الجمع و الثاني بكسرها. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «جبرئیل به ابراهیم گفت: آرزویی کن، از این رو نام این سرزمین مُنا نامیده شد ولی مردم آن را مُنا می گویند.»

«وَ أَخْرُجْ عَنْ غَفْلَتِكَ وَ زَلَّاتِكَ بِخُرُوجِكَ إِلَى مِنِّي وَ لَا تَتَمَنَّ مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ لَا تَسْتَحِقُّهُ.»

امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه فرمود: «با خارج شدن از مکه به سوی مُنا از غفلت و اشتباهات بیرون رو و چیزی را که برای حلال نیست و استحقاق آن را نداری تمنا و آرزو مکن.»

مبارزه با شیطان

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَمِي الْجِمَارِ لِمَ جُعِلَ؟ قَالَ: «لَأَنَّ إِبْلِيسَ اللَّعِينَ كَانَ يَتَرَاءَى لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَوْضِعِ الْجِمَارِ فَرَجَمَهُ إِبْرَاهِيمُ فَجَزَتْ السُّنَّةُ بِذَلِكَ.» (۲)

ص: ۴۰

۱- بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۸، ح ۲۵

۲- بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۰، ح ۳۲.

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام از راز جمرات پرسید امام فرمود: «شیطان لعین در محل جمرات بر ابراهیم ظاهر شد و ابراهیم او را سنگ زد، به همین جهت سنت بر رمی جمرات جاری شد.»

ریزش گناه در رمی جمرات

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «رَمَى الْجِمَارِ ذُخْرُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْحِجَابُ إِذَا رَمَى الْجِمَارَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ.» وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ رَمَى الْجِمَارَ يُحِطُّ عَنْهُ بِكُلِّ حِصَاةٍ كَبِيرَةٍ مُؤَبَّقَةٍ وَإِذَا رَمَاهَا الْمُؤْمِنُ التَّقَفَهَا الْمَلَكُ وَإِذَا رَمَاهَا الْكَافِرُ قَالَ الشَّيْطَانُ بِاسْتِكَ مَا رَمَيْتَ.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «رمی جمرات ذخیره ای برای روز قیامت است و حاجی با رمی جمرات از گناهانش خارج می گردد.» و امام صادق علیه السلام فرمود «کسی که به جمرات سنگ بزند با هر سنگی گناه کبیره هلاک کننده ای از او ساقط می شود. اگر مؤمن سنگ بندازد فرشته ای آن سنگ را می گیرد و اگر کافری سنگ بزند شیطان می گوید: این سنگ به فلانت.»:

ص: ۴۱

قربانی یاد آور فقرا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْأَضْحَى لِتَسْبِيحِ مَسَاكِينِكُمْ مِنَ اللَّحْمِ فَأَطْعِمُوهُمْ.» (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «قربانی را خدا برای آن گذاشت تا توسعه ای بر فقرا در گوشت باشد، پس به فقرا از آن بخورانید.»

لیک گوی نورانی در قیامت

وَقَالَ الصَّادِقُ : عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ بِيَمِينِي ثُمَّ دَفَنَهُ حِجَاءَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَكُلُّ شَعْرَةٍ لَهَا لِسَانٌ طَلِقٌ تَلْحَبِي بِاسْمِ صَاحِبِهَا.» وَرُوي أَنَّ مَنْ حَلَقَ رَأْسَهُ بِيَمِينِي كَمَا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَاسْتَغْفَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِلْمُحَلِّقِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ لِلْمُقَصِّرِينَ مَرَّةً.» (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مؤمن سر خود را در منا بتراشد و موی آن را دفن کند، روز قیامت می آید در حالی که هر تار موی او بازبانی فصیح به نام صاحبش لبیک می گوید. پیامبر خدا برای کسانی که سر را می تراشند سه بار استغفار کرد و برای کسانی که موی سر را کوتاه می کنند یک بار.»

ص: ۴۲

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۹۶، ح ۱۶.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۴.

«وَ اذْبَحْ حَنْجَرَةَ الْهَوَىٰ وَ الطَّمَعِ عِنْدَ الذَّبِيحِهِ وَ ازِمِ الشَّهَوَاتِ وَ الْخَسَاسَةَ وَ الدَّنَاءَةَ وَ الْاَفْعَالَ الذَّمِيمَةَ عِنْدَ رَمِي الْجَمْرَاتِ وَ اَخْلِقِ الْعُيُوبَ الظَّاهِرَةَ وَ الْبَاطِنَةَ بِحَلْقِ شَعْرِكَ وَ اَدْخُلْ فِي اَمَانِ اللَّهِ وَ كَنَفِهِ وَ سِتْرِهِ وَ كِلَاءَتِهِ مِنْ مُتَابِعِهِ مُرَادِكَ بِدُخُولِكَ الْحَرَمِ وَ زُرِ الْبَيْتَ مُتَحَقِّقًا لِتَعْظِيمِ صَاحِبِهِ وَ مَعْرِفِهِ جَلَالِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ اسْتَلِمِ الْحَجَرَ رِضَاءً بِقِسْمَتِهِ وَ خُضُوعًا

لِعِزَّتِهِ وَ وَدَّعْ مَا سِوَاهُ بِطَوَافِ الْوُدَاعِ وَ اَصْفِ رُوحَكَ وَ سِرِّكَ لِلِقَاءِ اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ بِوُقُوفِكَ عَلَى الصَّفَا وَ كُنْ ذَا مُرُورِهِ مِنَ اللَّهِ نَقِيًّا اَوْصَافُكَ عِنْدَ الْمُرُورِهِ وَ اسْتَقِمْ عَلَى شَرْطِ حَجَّتِكَ وَ وِفَاءِ عَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَ بِهِ مَعَ رَبِّكَ وَ اَوْجِبْتَ لَهُ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»

امام صادق عليه السلام در حدیث مصباح الشریعه فرمود: «گلوئی هوا و هوس و طمع را هنگام ذبح قربانی ببر و شهوات و خسیس بودن و پستی و افعال ناپسند را هنگام رمی جمرات از خود دور کن و عیب های آشکار و پنهان را با تراشیدن مو از جان خود بزدا و با ورود به حرم، در امان خدا و کنف حمایت و پوشش و حفاظت او داخل شو، خانه حق را زیارت کن برای این که صاحب خانه را تعظیم کرده باشی و به جلال و سلطنت او

معرفت یافته باشی. و حجر الاسود را در حالی که راضی به قسمت او هستی و در مقابل عزت او خاضع می باشی، استلام نما. و با غیر خدا در طواف وداع، وداع کن و با توقفت در کوه صفا، روح و جانت را در صفا بخش و نزد کوه مروه خود را به مروت و جوانمردی خدایی و اوصاف پاکیزه بیارای. و بر شرایط حجت استقامت بورز و به عهدی که با خدا بستنی و بر خود واجب کردی تا روز قیامت پای بند و وفادار باش.»

راز چهار عمل

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنِ الْوُقُوفِ بِالْجَبَلِ، لِمَ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَرَمِ؟ فَقَالَ: «لِأَنَّ الْكَعْبَةَ بَيْتُهُ وَالْحَرَمَ بَابُهُ فَلَمَّا قَصِدُوهُ وَافِدِينَ وَقَفَهُمْ بِالْبَابِ يَتَضَرَّعُونَ.»

قِيلَ لَهُ: فَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ لِمَ صَارَ فِي الْحَرَمِ؟ قَالَ: «لِأَنَّهُ لَمَّا أُذِنَ لَهُمْ بِالدُّخُولِ وَقَفَهُمْ بِالْحِجَابِ الثَّانِي فَلَمَّا طَالَ تَضَرُّعُهُمْ بِهَا أُذِنَ لَهُمْ لِتَقْرِبِ قُرْبَانِهِمْ فَلَمَّا فَضُوا تَفَثَهُمْ تَطَهَّرُوا بِهَا مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي كَانَتْ حِجَابًا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ أُذِنَ لَهُمْ بِالزِّيَارَةِ عَلَى الطَّهَارَةِ.»

قِيلَ لَهُ: «فَلِمَ حُرِّمَ الصِّيَامُ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ قَالَ لِأَنَّ الْقَوْمَ زُورُوا اللَّهَ وَهُمْ فِي ضِيافَتِهِ وَ لَا يَجْمَلُ بِمُضِيفٍ أَنْ يُصَوِّمَ أَضْيَافَهُ.» قِيلَ لَهُ:

فَالْتَلَقَ بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ لِأَيِّ مَعْنَى هُوَ؟ قَالَ: «مَثَلُ رَجُلٍ لَهُ عِنْدَ آخِرِ جَنَائِهِ وَ ذَنْبٍ فَهُوَ يَتَعَلَّقُ بِثَوْبِهِ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ وَ يَخْضَعُ لَهُ أَنْ يَتَجَافَى عَنِ ذَنْبِهِ.» (۱)

از امیر مؤمنان علیه السلام از علت وقوف به جبل (عرفات) و چرا وقوف در حرم نیست، پرسیده شد. امام علیه السلام فرمود:
«کعبه خانه خدا و حرم

باب آن است. زمانی که میهمانان قصد خانه او کنند آنان را بیرون در نگه دارد تا تضرع و زاری کنند.»

سؤال شد: پس چرا مشعر در حرم است؟ امام علیه السلام فرمود: وقتی به آنان اجازه ورود به حرم داده شد بر حجاب دوم آنان را نگاه می دارد تا به گریه و زاری بپردازند، وقتی ناله و آهشان طولانی شد به آنان اجازه می دهد تا قربانی تقدیم کنند، و سپس با تقصیر و حلق از گناهی که مانع و حجاب بین آنان و خدا بود، خارج شوند، پس از آن اجازه می دهد در حال طهارت و پاکی به زیارت بیایند.»

سؤال شد: چرا روزه در ایام تشریق (۲) حرام است؟ امام علیه السلام فرمود: «زیرا مردم در این زمان زائر و میهمان خدایند و زیبا نیست صاحب خانه میهمانانش را به روزه وادارد.»

ص: ۴۵

۱- الکافی، ج ۴، ص: ۲۲۴، ح. ۱.

۲- به روزهای دهم تا سیزدهم ماه ذی حجه گفته می شود.

سؤال شد: برای چه به پرده کعبه آویزان می شوند؟ امام علیه السلام فرمود: «این عمل مانند عمل انسانی است که بر دیگری جنایتی وارد کرده به لباس او می چسبد و تضرع می کند در مقابلش خضوع می نماید تا از گناهش در گذرد.»

چهار ماه پاک از گناه

الْحُسَيْنُ بْنُ خَالِدٍ قَالَ كَتَبْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ صَارَ الْحَاجُّ لَا يُكْتَبُ عَلَيْهِ ذَنْبٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ مِنْ يَوْمٍ يَخْلُقُ رَأْسَهُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ أَبَاحَ لِلْمُشْرِكِينَ الْحَرَمَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ إِذْ يَقُولُ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَأَبَاحَ لِلْمُؤْمِنِينَ إِذَا زَارُوهُ حِلًّا مِنَ الذُّنُوبِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَكَانُوا أَحَقَّ بِذَلِكَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ. (۱)

حسین بن خالد به امام هفتم نوشت: چرا از روزی که حاجی سر می تراشد تا چهار ماه گناه بر او نوشته نمی شود؟ امام علیه السلام فرمود: «خداوند ورود به حرم را چهار ماه بر مشرکان مباح کرد زیرا فرمود تا چهار ماه در زمین گردش کنید، پس برای مؤمنانی که به زیارت او می آیند چهار ماه حلیت از گناه را قرار داد (۲) و در این امر سزاوارتر از مشرکان هستند.»

ص: ۴۶

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۰، ح ۲۹.

۲- توجه به این نکته لازم است که مقصود از گناهایی که بر حاجی نوشته نمی شود گناهان صغیره است. به روایت زیر توجه کنید: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لِي وَ لَا تُكْتَبُ عَلَيْهِ الذُّنُوبُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ تُكْتَبُ لَهُ الْحَسَنَاتُ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَ بِكَبِيرَةٍ.

قَالَ سُلَيْمَانُ: فَقُلْتُ: فَكَيْفَ صَارَ التَّكْبِيرُ يَذْهَبُ بِالضُّعَاطِ هُنَاكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ قَوْلَ الْعَبْدِ لِلَّهِ أَكْبَرُ مَعْنَاهُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ

يَكُونَ مِثْلَ الْأَصِيْنَامِ الْمُنْحُوْتِهِ وَالْأَلِهَةِ الْمَعْبُوْدَةِ دُوْنَهُ وَ أَنَّ إِبْلِيسَ فِي شَيْطَانِهِ يُضَيِّقُ عَلَى الْحَاجِّ مَسِيْلَتَهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ فَإِذَا سَمِعَ التَّكْبِيرَ طَارَ مَعَ شَيْطَانِهِ وَ تَبِعَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يَقْعُوا فِي اللَّجَّةِ الْخَضْرَاءِ.

در دنباله حدیث سلیمان از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا وقتی در این مکان تنگ تکبیر گفته می شود فشار و تنگی از بین می رود؟ امام فرمود: «معنای الله اکبر این است که خدا بزرگتر از آن است که مانند این بت های تراشیده و خدایان ساختگی باشد. شیاطین در این محل راه را بر حاجیان تنگ می کنند هنگامی که صدای زائران به تکبیر بلند می شود فرار کرده و ملائکه آنان را دنبال می کنند تا در گرداب سبز بیفتند.»

قُلْتُ: وَ كَيْفَ صَارَ الصَّرُورَةُ يُسْتَحَبُّ لَهُ دُخُولُ الْكَعْبَةِ دُونَ مَنْ قَدْ حَجَّ؟ فَقَالَ: لِأَنَّ الصَّرُورَةَ قَاضِي فَرْضٍ مَدْعُوٌّ إِلَى حَجِّ بَيْتِ اللَّهِ فَيَجِبُ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ الَّذِي دُعِيَ إِلَيْهِ لِيُكْرَمَ

فِيهِ. فَقُلْتُ: وَ كَيْفَ صَارَ الْحَلْقُ عَلَيْهِ وَاجِباً دُونَ مَنْ قَدْ حَجَّ؟ فَقَالَ: لِيَصِيرَ بِذَلِكَ مُوسِمًا بِسَمِهِ الْأَمِينِ. أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: (لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسِهِمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ). فَقُلْتُ: فَكَيْفَ صَارَ وَطْءُ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ عَلَيْهِ فَرِيضَةً؟ قَالَ: لِيَسْتَوْجِبَ بِذَلِكَ وَطْءَ بُحْبُوحِهِ الْجَنَّةِ. (١)

در دنباله حدیث سلیمان از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا برای کسی که اولین بار به حج مشرف شده مستحب است به درون کعبه برود؟ امام فرمود: «شخص ضروره در حال انجام دادن واجبی است که برای انجام دادنش به حج بیت الله دعوت شده پس باید به درون خانه آید تا در آنجا اکرام شود.»

پرسید: چرا تراشیدن سر بر او واجب است نه بر کسانی که ضروره نیستند؟ امام فرمود: «تا به نشانه آمین علامت گزاری شود. آیا سخن خدا را نشنیدی که فرمود: هر آینه به مسجد

ص: ۴۸

الحرام وارد می شوید در حالی که در امان هستید و سرها را تراشیده اید یا تقصیر کرده اید و هیچ ترسی ندارید.»

پرسید: چرا قدم گذاشتن در مشعر بر او لازم است؟ امام فرمود: تا سزاوار شود قدم در باغ های بهشت گذارد.

کعبه محاذی بیت المعمور و عرش خدا

وَقَدْ رُوِيَ أَنَّهُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ كَعْبَةً لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ وَصَارَتْ مُرَبَّعَةً لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَهُوَ مُرَبَّعٌ وَصَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعًا لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَهُوَ مُرَبَّعٌ وَصَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعًا لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي يُنْبِئُ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ وَهِيَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (۱)

شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه در علت نام گزاری خانه خدا به کعبه می نویسد: «روایت شده خانه خدا را کعبه نامیدند زیرا چهار گوش است و چهار گوش ساختند زیرا برابر بیت المعمور است که چهار گوش می باشد. و بیت المعمور چهار گوش شد زیرا برابر عرش خداست که آن چهار گوش می باشد و عرش چهار گوش شد زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده است چهار کلمه است و آنها عبارتند از: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.»

ص: ۴۹

راز بیت عتیق و بیت الله الحرام

و سُمِّيَ بَيْتُ اللَّهِ الْحَرَامَ لِأَنَّهُ حُرِّمَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَدْخُلُوهُ. وَ سُمِّيَ الْبَيْتُ الْعَتِيقَ لِأَنَّهُ أُعْتِقَ مِنَ الْغَرَقِ . وَ رُوِيَ أَنَّهُ سُمِّيَ الْعَتِيقَ لِأَنَّهُ بَيْتُ عَتِيقٍ مِنَ النَّاسِ وَ لَمْ يَمْلِكْهُ أَحَدٌ. (۱)

کعبه را بیت الله الحرام نامیدند، زیرا بر مشرکان ورود به آن حرام است و بیت عتیق نامیدند زیرا از غرق شدن در امان است و روایت شده راز بیت عتیق بودنش این است که از ملکیت انسان ها آزاد است و هیچ کسی مالک آن نیست.

بیت خدا اولین ساختمان در وسط زمین

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَّهُ وَضِعَ الْعَيْتِ وَسَيْطَ الْأَرْضِ أَنَّهُ الْمَوْضِعُ الَّذِي مِنْ تَحْتِهِ دُحَيْبِ الْأَرْضِ وَ هِيَ أَوَّلُ بُقْعَةٍ وَضِعَتْ فِي الْأَرْضِ لِأَنَّهَا الْوَسْطُ لِيَكُونَ الْفَرَضُ لِأَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فِي ذَلِكَ سَوَاءً. (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود: «راز این که کعبه در وسط زمین قرار گرفته این است که زمین از زیر کعبه بیرون کشیده شده و این اولین ساختمانی است که در زمین بنا شده زیرا در وسط زمین قرار دارد تا در این واجب (روبه آن ایستادن)، ساکنان شرق و غرب عالم مساوی باشند.»

ص: ۵۰

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۱، ح ۲۱۱۱ تا ۲۱۱۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۶۴، ح ۳۸.

رَوَى عَنْ إِزْشَادِ الْقُلُوبِ وَ مَشَارِقِ الْأَنْوَارِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا سُئِلَ: «أَيْنَ بَكَهُ مِنْ مَكَّةَ؟» فَقَالَ: «مَكَّهُ أَكْنَافُ الْحَرَمِ وَ بَكَهُ مَكَانُ الْبَيْتِ.» قَالَ السَّائِلُ: «وَلِمَ سُمِّيَتْ مَكَّةُ؟» قَالَ: «لِأَنَّ اللَّهَ مَكَّ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهَا أَيْ دَحَاهَا قَالَ فَلِمَ سُمِّيَتْ بَكَهُ قَالَ لِأَنَّهَا بَكَتْ عُيُونَ الْجَبَّارِينَ وَ الْمُذْنِبِينَ.» قَالَ: «صَدَقَتْ.»

وَ فِي الْإِزْشَادِ لِأَنَّهَا بَكَتْ رِقَابَ الْجَبَّارِينَ وَ أَعْنَاقَ الْمُذْنِبِينَ. (۱)

از امیر مؤمنان علیه السلام سؤال شد بکه در کجای مکه قرار دارد؟ امام علیه السلام فرمود: مکه اطراف حرم است و بکه مکان خانه خدا. سائل پرسید: چرا به این سرزمین مکه گفتند؟ امام علیه السلام فرمود: زیرا خداوند زمین را از زیر آن بیرون کشید. از راز نام گزاری مکه به "بکه" پرسید. امام علیه السلام فرمود: «زیرا چشمان سرکشان و گناه کاران را گریان می کند.»

دیلمی در ارشاد القلوب چنین نقل می کند: «زیرا گردن سرکشان و گناه کاران را خم می کند.»

ص: ۵۱

مکه جایگاه آزمایش مردم در ازدحام

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ مَكَّةُ بِكَلِمَةٍ لِأَنَّهَا يُبَكُّ بِهَا الرَّجَالُ وَالنِّسَاءُ وَالْمَرْأَةُ تُصِلُّ بَيْنَ يَدَيْكَ وَعَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمَالِكَ وَعَنْ يَسَارِكَ وَمَعَكَ وَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنَّمَا يُكْرَهُ فِي سَائِرِ الْبُلْدَانِ.» (۱)

امام محمد باقر علیه السلام: در راز نام گزاری مکه به بکه فرمود: «در این سرزمین مردان و زنان در اثر ازدحام به هم برخورد می کنند و زن در جلو و طرف راست و چپ و کنارت به نماز می ایستد و اشکالی ندارد در شهرهای دیگر این عمل مکروه است.»

شایستگی های اولین انسان حج گزار

الف. منزلت انسان در مشاعر

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أُهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ أُهْبِطَ عَلَى الصَّفَا وَ لِذَلِكَ سُمِّيَ الصَّفَا، لِأَنَّ الْمُضِيَّ طَفَى هَبَطَ عَلَيْهِ، فَقُطِعَ لِلْجَبَلِ اسْمٌ مِنْ اسْمِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ) وَ أُهْبِطْتُ حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ. وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الْمَرْوَةُ مَرْوَةً، لِأَنَّ الْمَرْأَةَ

ص: ۵۲

هَبَطَتْ عَلَيْهَا، فَقُطِعَ لِلْجَبَلِ اسْمٌ مِنْ اسْمِ الْمَرْأَةِ. وَهُمَا جَبَلَانِ عَنِ الْكَعْبَةِ وَشِمَالِهَا.

امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی که آدم علیه السلام بر زمین هبوط کرد بر کوه صفا واقع شد، از این رو به آن کوه صفا گفتند زیرا آدم علیه السلام برگزیده خدا بر آن هبوط نمود، پس اسم کوه را از اسم آدم گرفتند. خداوند عزوجل می فرماید: همانا خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. و حوا بر کوه مروه پایین آمد و به کوه مروه گفتند زیرا زن بر آن فرود آمد پس نام کوه را از نام مرأه گرفتند.»

ب. آغاز توبه آدم

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فَمَكَتْ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَدَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمْكُتَ لَا يُكَلِّمُهُ اللَّهُ وَلَا يُرْسِلُ إِلَيْهِ رَسُولًا. وَ الرَّبُّ سُبْحَانَهُ يُبَاهِي بِصَبْرِهِ الْمَلَائِكَةَ. فَلَمَّا بَلَغَ الْوَقْتَ الَّذِي يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَتُوبَ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ، أَرْسَلَ إِلَيْهِ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آدَمُ الصَّابِرُ لِحَبْلِيهِ التَّائِبُ عِنْدَ خَطِيئَتِهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَنِي إِلَيْكَ لِأُعَلِّمَكَ الْمَنَاسِكَ الَّتِي يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكَ بِهَا.»

ص: ۵۳

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «آدم به مقداری که خدا می داند در روی زمین توقف کرد نه خدا با او سخن می گفت و نه رسولی را به سویش می فرستاد و خداوند به ملائکه از صبر آدم مباحثات می کرد. زمانی که اراده خدا تعلق گرفت به این که آدم توبه کند، جبرئیل را به سوی او فرستاد. جبرئیل به او گفت: سلام بر تو ای آدم که بر امتحان و آزمایش خدا و گرفتاری ها صبر پیشه کردی و از اشتباهت به درگاه خداوند توبه نمودی؛ خداوند مرا فرستاد تا مناسکی را بتو یاد بدهم که خداوند می خواهد به سبب آنها توبه ات را بپذیرد.»

ج. معماری خانه و معین نمودن مشاعر

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فَأَخَذَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى أَتَى بِهِ مَكَانَ الْبَيْتِ فَتَرَلَ عَمَامٌ مِنَ السَّمَاءِ فَأَظْلَمَ مَكَانَ الْبَيْتِ فَقَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ خُطَّ بِرِجْلِكَ حَيْثُ أَظْلَمَ الْعَمَامُ فَإِنَّهُ قَبْلَهُ لَكَ وَ لِآخِرِ عَقِبِكَ مِنْ وُلْدِكَ. فَخَطَّ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرِجْلِهِ حَيْثُ أَظْلَمَ الْعَمَامُ ثُمَّ انْطَلَقَ بِهِ إِلَى مَنْى فَأَرَاهُ مَسْجِدَ مَنْى فَخَطَّ بِرِجْلِهِ وَ مَدَّ خِطَّةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بَعْدَ مَا خَطَّ مَكَانَ الْبَيْتِ ثُمَّ انْطَلَقَ بِهِ مِنْ مَنْى إِلَى عَرَفَاتٍ.»

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «جبرئیل دست آدم را گرفت و به محل خانه خدا آورد. ابری در آسمان پدیدار شد و بر مکان خانه خدا سایه انداخت. جبرئیل گفت: ای آدم با پایت در اطراف سایه خط بکش که قبله گاه تو و فرزندان تو خواهد بود و آدم خط کشی نمود. آنگاه مکان مسجد الحرام را به او نشان داد تا خط کشی کند و او را به سرزمین منا آورد و از منا به عرفات آمدند.»

د. عرفات اولین مکان توبه

فَأَقَامَهُ عَلَى الْمُعَرَّفِ فَقَالَ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَعْتَرِفْ بِذُنُوبِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ سَلِ اللَّهَ الْمَغْفِرَةَ وَ التَّوْبَةَ سَبْعَ مَرَّاتٍ. فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِذَلِكَ سُمِّيَ الْمُعَرَّفَ لِأَنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْتَرَفَ فِيهِ بِذُنُوبِهِ وَ جُعِلَ سُنَّةً لُوَلَدِهِ يَعْتَرِفُونَ بِذُنُوبِهِمْ كَمَا اعْتَرَفَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَسْأَلُونَ التَّوْبَةَ كَمَا سَأَلَهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ثُمَّ أَمَرَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ فَمَرَّ عَلَى الْجِبَالِ السَّبْعَةِ فَأَمَرَهُ أَنْ يُكَبِّرَ عِنْدَ كُلِّ جَبَلٍ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى جَمْعٍ.»

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «جبرئیل آدم را در عرفات نگاه داشت و به او گفت: زمانی که خورشید غروب کند هفت بار به گناهات اعتراف کن و از خداوند هفت بار

آمرزش

ص: ۵۵

گناه و توبه را طلب نما. به آن سرزمین معرف و عرفات گفتند زیرا آدم در آنجا به خطای خود اعتراف کرد. این سنتی شد در فرزندان آدم که در این مکان مانند پدرشان آدم به گناه خود اعتراف کرده و از خداوند توبه را طلب کنند. شامگاهان جبرئیل به آدم دستور داد از عرفات کوچ کند پس بر هفت کوه گذر کرد و به او گفت: در گذر بر هر کوهی چهار تکبیر بگو تا به جمع (مشعر الحرام) رسیدند.»

ه . یقظه و اعتراف

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى جَمْعِ ثُلُثِ اللَّيْلِ فَجَمَعَ فِيهَا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ ثُلُثَ اللَّيْلِ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَنْبَطِحَ فِي بَطْحَاءِ جَمْعِ فَأَنْبَطِحَ فِي بَطْحَاءِ جَمْعِ حَتَّى انْفَجَرَ الصُّبْحُ فَأَمَرَهُ أَنْ يَصِيَّعَ عَلَى الْجَبَلِ جَبَلِ جَمْعٍ وَأَمَرَهُ إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ أَنْ يَعْتَرِفَ بِذَنْبِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَيَسْأَلَ اللَّهَ التَّوْبَةَ وَالْمَغْفِرَةَ سَبْعَ مَرَّاتٍ. فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا أَمَرَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنَّمَا جَعَلَهُ اعْتِرَافَيْنِ لِيَكُونَ سَيْنَةً فِي وُلْدِهِ فَمَنْ لَمْ يُدْرِكْ مِنْهُمْ عَرَفَاتٍ وَأَدْرَكَ جَمْعًا فَقَدْ وَافَى حَاجَّهُ إِلَى مِنَى.»

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «ثلثی از شب گذشته بود که آدم از عرفات به جمع (مشعر) رسید در آنجا بین نماز مغرب و عشا جمع کرد. سپس به او گفت در پهنه وادی مشعر بساط خود بگستراند تا سپیده بدمد، آنگاه به او فرمان داد بر کوه مشعر بالا رود و هنگام طلوع خورشید هفت مرتبه به گناهِش اعتراف کند و از هفت بار خداوند مغفرت و توبه را طلب نماید. آدم فرامین جبرئیل را اجرا کرد. دو اعتراف (یکی در عرفات و دیگری در مشعر) قرار داد تا سنتی در فرزندان آدم باشد اگر کسی از آنان عرفات را درک نکرد و به مشعر رسید حجش کامل باشد و به منا حاضر گردد.»

و. قربانی, علامت قبولی توبه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «تَمَّ أَفَاضَ مِنْ جَمْعٍ إِلَى مَنِي فَبَلَغَ مِنِّي ضُحَى فَأَمَرَهُ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي مَسْجِدِ مَنِي ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يُقَرَّبَ لِلَّهِ قُرْبَانًا لِيُقْبَلَ مِنْهُ وَيَعْرِفَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ تَابَ عَلَيْهِ وَيَكُونَ سِيئَةً فِي وُلْدِهِ الْقُرْبَانَ فَقَرَّبَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُرْبَانًا فَقَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ فَأَرْسَلَ نَارًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَبِلَتْ قُرْبَانَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا آدَمُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ إِذْ عَلَّمَكَ الْمَنَاسِكَ الَّتِي يَتُوبُ بِهَا عَلَيْكَ وَ قَبِلَ قُرْبَانَكَ.»

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «پس از طلوع آفتاب از مشعر به منا کوچ کرد در چاشتگاه به منا رسید به او دستور داد دو رکعت نماز در مسجد منا (مسجد خیف) بخواند و پس از آن قربانی به درگاه خداوند تقدیم کند تا قربانی را از او قبول کند و بفهمد در اثر قبولی قربانی خداوند توبه اش را پذیرفته است و سنتی در فرزندانش باشد. آدم قربانی را تقدیم کرد و خداوند از او قبول کرد و آتشی از آسمان فرستاد تا قربانی او را سوزانید. جبرئیل به آدم گفت: ای آدم خداوند به تو احسان و نیکی نمود زیرا مناسک و اعمالی که سبب توبه کردند شد به تو یاد داد و قربانی ات را قبول نمود.»

ز. تراشیدن سر، نشانه بندگی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ فَاحْلِقْ رَأْسَكَ تَوَاضِعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذْ قَبِلَ قُرْبَانَكَ فَحَلَقَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأْسَهُ تَوَاضِعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «پس الان برای نشان دادن تواضع و فروتنی به درگاه خدا سرت را تراش، زیرا خداوند قربانی ات را قبول کرد. و آدم برای نشان دادن بندگی و خضوع به درگاه خدا سرش را تراشید.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «ثُمَّ أَخَذَ جِبْرَائِيلُ بِيَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَانْطَلَقَ بِهِ إِلَى الْبَيْتِ فَعَرَضَ لَهُ إِبْلِيسُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ فَقَالَ لَهُ إِبْلِيسُ لَعْنَةُ اللَّهِ: يَا آدَمُ أَيْنَ تُرِيدُ؟ فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا آدَمُ ارْمِهِ بِسَيِّعِ حَصِيَّاتٍ وَكَبْرٍ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ تَكْبِيرَةً. فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَهَبَ إِبْلِيسُ ثُمَّ عَرَضَ لَهُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ الثَّانِيَةِ فَقَالَ لَهُ يَا آدَمُ أَيْنَ تُرِيدُ؟ فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ارْمِهِ بِسَيِّعِ حَصِيَّاتٍ وَكَبْرٍ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ تَكْبِيرَةً فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَهَبَ إِبْلِيسُ ثُمَّ عَرَضَ لَهُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ أَيْنَ تُرِيدُ؟ فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ارْمِهِ بِسَيِّعِ حَصِيَّاتٍ وَكَبْرٍ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ تَكْبِيرَةً فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ فَذَهَبَ إِبْلِيسُ. فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكَ لَنْ تَرَاهُ بَعْدَ مَقَامِكَ هَذَا أَبَدًا.»

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «پس از اعمال منا، جبرئیل دست آدم را گرفته به مکه آورد در راه نزد ستون اول، شیطان ظاهر شده به آدم گفت: کجا می روی؟ جبرئیل به آدم گفت: هفت سنگ به او بزن و با هر سنگی تکبیری بگو. آدم سنگ ها را زد و شیطان ناپدید شد. در ستون دوم و ستون

سوم

ص: ۵۹

برای بار دوم و سوم شیطان ظاهر شد و آدم به دستور جبرئیل او را هفت سنگ زد و شیطان ناپدید گشت. جبرئیل به آدم گفت: از این پس دیگر او را نخواهی دید.»

ط. آثار طواف خانه خدا

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثُمَّ انْطَلَقَ بِهِ إِلَى الْبَيْتِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَفَعَلَ ذَلِكَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ ذُنُوبَكَ وَ قَبِلَ تَوْبَتَكَ وَ أَحَلَّ لَكَ زَوْجَتَكَ. (۱)

امام صادق علیه السلام در دنباله حدیث فوق فرمود: «جبرئیل آدم را به نزد بیت الله آورد و به او فرمان داد هفت بار گرد خانه طواف کند. پس به او گفت: خدا گناهات را بخشید و توبه ات را قبول کرد و همسرت را بر تو حلال نمود.»

ی. بایستگی استمرار استغفار و توبه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَمَّا طَافَ آدَمُ بِالْبَيْتِ وَ انْتَهَى إِلَى الْمُلتَزِمِ قَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا آدَمُ أَقِرَّ لِرَبِّكَ بِعُدُوبِكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ. قَالَ: فَوَقَفَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رَبِّ إِنَّ لِكُلِّ عَامِلٍ أَجْرًا وَ قَدْ عَمِلْتُ فَمَا أَجْرِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا آدَمُ قَدْ غَفَرْتُ ذُنُوبَكَ.

ص: ۶۰

قَالَ: يَا رَبِّ وَ لَوْلَيْدِي أَوْ لِدُرِّيَّتِي؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: يَا آدَمُ مَنْ جَاءَ مِنْ دُرِّيَّتِكَ إِلَى هَذَا الْمَكَانِ وَ أَقَرَّ بِذُنُوبِهِ وَ تَابَ كَمَا تُبِتَ ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غَفَرْتُ لَهُ.» (۱)

امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر فرمود: « هنگامی که آدم علیه السلام طواف خانه خدا را انجام داد و در پایان طواف در کنار ملتزم ایستاد، جبرئیل علیه السلام به او گفت: در این مکان به گناهت اقرار کن. آدم علیه السلام ایستاد و گفت: ای پروردگار من برای هر عاملی اجر و پاداشی است و من به آنچه دستور بود عمل کردم پاداشم چیست؟ خداوند به او وحی کرد ای آدم گناهت را آمرزیدم. آدم علیه السلام گفت: خدایا آمرزشت شامل فرزندان و ذریه من می شود؟ خداوند به او وحی نمود: ای آدم هر کدام از ذریه تو که به این مکان بیاید و به گناهش اقرار کند و توبه نماید همانگونه که تو توبه کردی سپس آمرزش گناهش را از من طلب کند او را بیامرزم.

ملتزم و نهری از بهشت پای آن

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُتَلَتِّمِ، لِأَيِّ شَيْءٍ يُتَلَتَّرُ؟ وَ أَيُّ شَيْءٍ يُذَكَّرُ فِيهِ؟ فَقَالَ: «عِنْدَهُ نَهْرٌ مِنَ الْجَنَّةِ تُلْقَى فِيهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ حَمِيمٍ.» (۲)

ص: ۶۱

۱- الکافی، ج ۴، ص ۱۹۱، ح ۳

۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۱۹، ح ۱۰

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آيَاتِهِ : «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ أَنِّي قَدْ رَحِمْتُ آدَمَ وَ حَوَاءَ لَمَّا شَكِيَا إِلَيَّ مِمَّا شَكِيَا فَاهْبِطْ عَلَيْهِمَا بِخَيْمَةٍ مِنْ خَيْمِ الْجَنَّةِ وَ عَزَّهُمَا عَنِّي بِفِرَاقِ الْجَنَّةِ وَ اجْمَعْ بَيْنَهُمَا فِي الْخَيْمَةِ فَإِنِّي قَدْ رَحِمْتُهُمَا لِيُكَاثِبَهُمَا وَ وَحَشَتَهُمَا فِي وَحِدَتِهِمَا وَ انْصَبِ الْخَيْمَةَ عَلَى التُّرْعَةِ الَّتِي بَيْنَ جِبَالِ مَكَّةَ . - قَالَ : وَ التُّرْعَةُ مَكَانُ النَّبِيِّ وَ قَوَاعِدِهِ الَّتِي رَفَعَتْهَا الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ . - فَهَبَطَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْخَيْمَةِ عَلَى مِقْدَارِ أَرْكَانِ النَّبِيِّ وَ قَوَاعِدِهِ . فَصَبَّهَا.»

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: « خداوند به جبرئیل وحی کرد: من خدای رحمان و رحیمم. بر آدم و حوا ترحم کردم، از آنچه به من از آن شکایت کردند، پس خیمه ای از خیمه های بهشتی را به زمین ببر و به آدم و حوا از طرف من بر فراق بهشت تعزیت بگو و آنان را در خیمه جمع کن که من بر گریه ها و تنهایی آنان رحم کردم. خیمه را در دره ای بین کوه های مکه نصب کن - همان جایی که الان کعبه بر پاست. - جبرئیل خیمه ای به اندازه بیت الله برای آدم آورد و آن را بر پا کرد.»

خیمه بهشتی به شعاع مسجدالحرام و حرم

قَالَ: وَ أَنْزَلَ جِبْرَائِيلُ آدَمَ مِنَ الصَّفَا وَ أَنْزَلَ حَوَاءَ مِنَ الْمَرْوَةِ وَ جَمَعَ بَيْنَهُمَا فِي الْخَيْمَةِ. قَالَ: وَ كَانَ عَمُودُ الْخَيْمَةِ قَضِيبَ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ فَأَضَاءَ نُورُهُ وَ ضَوْؤُهُ جِبَالُ مَكَّةَ وَ مَا حَوْلَهَا قَالَ وَ ائْتِيَتْهُ ضَوْءُ الْعَمُودِ. قَالَ: فَهُوَ مَوَاضِعُ الْحَرَمِ الْيَوْمَ مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ مِنْ حَيْثُ بَلَغَ ضَوْءُ الْعَمُودِ. قَالَ: فَجَعَلَهُ اللَّهُ حَرَمًا لِحُرْمَةِ الْخَيْمَةِ وَ الْعَمُودِ لِأَنَّهُمَا مِنَ الْجَنَّةِ. قَالَ: وَ لِتَذَكَّرَ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَسِيَنَاتِ فِي الْحَرَمِ مُضَاعَفَةً وَ السَّيِّئَاتِ مُضَاعَفَةً. قَالَ: وَ مُدَّتْ أَطْنَابُ الْخَيْمَةِ حَوْلَهَا فَمُنْتَهَى أَوْتَادُهَا مَا حَوْلَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. قَالَ: وَ كَانَتْ أَوْتَادُهَا مِنْ عَقِيَانِ الْجَنَّةِ وَ أَطْنَابُهَا مِنْ ضَفَائِرِ الْأَرْجُوانِ.»

امام محمد باقر علیه السلام در دنباله حدیث فرمود: «جبرئیل آدم را از کوه صفا و حوا را کوه مروه پایین آورد و آنان را در خیمه جمع کرد. ستون خیمه میله ای از یاقوت سرخ رنگ بود که نور افشانی کرد به گونه ای که نورش کوه های مکه و اطراف آن را روشن نمود تا هر جا که این نور رسید خداوند به احترام خیمه و عمود بهشتی آنجا را حرم قرار داد و به سبب همین احترام، پاداش کارهای نیک و بد در حرم دو برابر است. طناب خیمه

کشیده شد و به میخ‌ها بسته شد محل کوبیده شدن میخ‌ها مسجد الحرام گشت. میخ‌های خیمه از طلای بهشتی و طناب خیمه از رشته‌های ارغوانی بهشتی بود.»

ملائکه در طواف خانه خدا

قَالَ: «وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اهْبِطْ عَلَى الْخَيْمَةِ بِسَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْرُسُونَهَا مِنْ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ وَ يُؤَنِّسُونَ آدَمَ وَ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْخَيْمَةِ تَعْظِيمًا لِلْبَيْتِ وَ الْخَيْمَةِ. قَالَ: فَهَيَّطَ بِالْمَلَائِكَةِ فَكَانُوا بِحَضْرَةِ الْخَيْمَةِ يَحْرُسُونَهَا مِنْ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ الْعُتْيَاهِ وَ يَطُوفُونَ حَوْلَ أَرْكَانِ الْبَيْتِ وَ الْخَيْمَةِ كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ كَمَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي السَّمَاءِ حَوْلَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ. قَالَ: وَ أَرْكَانُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ فِي الْأَرْضِ حِيَالِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ الَّذِي فِي السَّمَاءِ.»

امام محمد باقر علیه السلام در دنباله حدیث فرمود: «خداوند عزوجل به جبرئیل وحی نمود: هفتاد هزار فرشته را نازل کن تا نگهبان خیمه و مونس آدم باشند و در گرد خیمه به جهت احترام و تعظیم خیمه و خانه خدا طواف کنند. جبرئیل به فرمان خدا ملائکه را در کنار خیمه حاضر کرد تا آن را از شیطان‌های

سرکش محافظت نمایند و بر ارکان خانه و خیمه در هر شب و

روز طواف کنند همانگونه که در آسمان گرد بیت المعمور طواف می کردند. ارکان خانه خدا در زمین برابر بیت المعمور در آسمان می باشد. »

ساختن کعبه برای ملائکه و بنی آدم

ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعِيدَ ذَلِكَ أَنْ اهْبِطْ إِلَى آدَمَ وَ حَوَاءَ فَخُجَّهُمَا عَنْ مَوَاضِعِ قَوَاعِدِ بَيْتِي وَ ارْفَعْ قَوَاعِدَ بَيْتِي لِمَلَائِكَتِي ثُمَّ وُلِدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَهَبَطَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى آدَمَ وَ حَوَاءَ فَأَخْرَجَهُمَا مِنَ الْخَيْمَةِ وَ نَحَاهُمَا عَنْ تَرْعَةِ الْحَبِيبِ وَ نَحَى الْخَيْمَةَ عَنْ مَوْضِعِ التُّرْعَةِ. قَالَ: وَ وَضَعَ آدَمَ عَلَى الصَّفَا وَ حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ. فَقَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جِبْرِئِيلُ أَسِخَطِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَوْلَتَنَا وَ فَرَقْتَ بَيْنَنَا أَمْ بِرِضًا وَ تَقْدِيرٍ عَلَيْنَا؟ فَقَالَ لَهُمَا: لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ لَمَّا يُشَاءُ لِمَا يَفْعَلُ. يَا آدَمُ إِنَّ السَّبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ الَّذِينَ أَنْزَلَهُمُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ لِيُؤَسِّسُوا وَ يَطُوفُوا حَوْلَ أَرْكَانِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ الْخَيْمَةِ سَأَلُوا اللَّهَ أَنْ يَبْنِيَ لَهُمْ مَكَانَ الْخَيْمَةِ بَيْتًا عَلَى مَوْضِعِ التُّرْعَةِ الْمُبَارَكَةِ حَيْثُ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَيَطُوفُونَ حَوْلَهُ كَمَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي السَّمَاءِ حَوْلَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْيَ أَنْ أُنْحِيكَ وَ أَرْفَعُ الْخَيْمَةَ. فَقَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ رَضِينَا بِتَقْدِيرِ اللَّهِ وَ نَأْفِذُ أَمْرَهُ فِينَا فَفَرَّقَ قَوَاعِدَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ بِحَجَرٍ مِنَ الصَّفَا وَ حَجَرٍ مِنَ الْمَرْوَةِ

وَ حَجْرٍ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ وَ حَجْرٍ مِنْ جَبَلِ السَّلَامِ وَ هُوَ ظَهَرَ الْكَوْفِهِ وَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى جِبْرِئِيلَ أَنْ ائْتِهِ وَ أَتَمَّهُ فَاقْتَلَعَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَحْجَارَ الْمَرْبَعَةَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ مَوَاضِعَ مَعَهُنَّ بِيَجْنِاحِهِ فَوَضَعَهَا حَيْثُ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْكَانِ الْبَيْتِ عَلَى قَوَاعِدِهِ الَّتِي قَدَّرَهَا الْجِبَارُ وَ نَصَبَ أَعْلَامَهَا ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ ائْتِهِ وَ أَتَمَّهُ بِحِجَارِهِ مِنْ أَبِي قُبَيْسٍ وَ اجْعَلْ لَهُ بَابَيْنِ بَابًا شَرْفِيًّا وَ بَابًا غَرِيبِيًّا قَالَ فَاتَمَّهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا أَنْ فَرَغَ طَافَتْ حَوْلَهُ الْمَلَائِكَةُ فَلَمَّا نَظَرَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حَوَّاءُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْبَيْتِ انْطَلَقَا فَطَافَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ خَرَجَا يَطْلُبَانِ مَا يَأْكُلَانِ» (١)

امام محمد باقر علیه السلام در دنباله حدیث فرمود: «پس از مدتی خداوند به جبرئیل وحی نمود به سوی آدم و حوا رفته آنان را از خیمه و مکان خانه دور کن و خیمه را جمع کن. جبرئیل آدم را بر صفا و حوا را مروه فرستاد. آدم از جبرئیل پرسید: آیا خداوند بر ما غضب کرده از این رو خیمه را ترک کردیم یا این که از ما راضی است لیکن قضا و قدرش چنین اقتضا کرده است؟ جبرئیل گفت: بر شما غضب نکرده و از خدا نباید پرسید چرا این کار را انجام دادی. ای آدم هفتاد هزار ملکی که برای انس تو و طواف

ص: ۶۶

به اطراف خیمه و بیت نازل شدند از خدا خواستند تا در جای خیمه خانه ای را برابر بیت المعمور بنا کند تا به دور آن طواف کنند همانگونه که دور بیت المعمور در آسمان طواف می کردند. به همین علت خداوند به من وحی نمود که شما را از خیمه دور کنم و خیمه را برچینم. آدم گفت به تقدیر و سرنوشتی که خداوند مقدر کرده راضی هستیم و امر او نسبت به ما نافذ است.

اساس خانه با سنگ های از صفا و مروه و طور سینا و جبل السلام کوفه بنا نهاده شد و خدا به جبرئیل وحی نمود بنای خانه را کامل کن پس جبرئیل به اندازه ای که خداوند مقدر فرموده بود دیوارها را بالا آورد. خداوند به او وحی کرد که با سنگی از کوه ابو قییس خانه را تکمیل کن و دری در سوی شرق و دری در سوی غرب خانه باز کن. جبرئیل خانه را ساخت و ملائکه به دور آن طواف کردند و آدم و حوا نظاره گر بودند آنان نیز به دور خانه هفت دور طواف نمودند و پس از طواف به دنبال غذا می رفتند.»

چرا هفت دور طواف؟

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ صَارَ الطَّوَافُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) فَرَدُّوا عَلَيْهِ وَقَالُوا: (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ

يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟) فَقَالَ: (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ). وَكَانَ لَا يَحْجُبُهُمْ عَنْ نُورِهِ، فَحَجَبَهُمْ عَنْ نُورِهِ سَبْعَةَ آلَافِ عَامٍ فَلَمَّادُوا بِالْعَرْشِ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ فَرَحِمَهُمْ وَتَابَ عَلَيْهِمْ وَجَعَلَ لَهُمُ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ وَجَعَلَهُ مَثَابَةً وَجَعَلَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ تَحْتَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَجَعَلَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمَّنَّا فَصَارَ الطَّوَافُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَاجِبًا عَلَى الْعِبَادِ لِكُلِّ أَلْفِ سَنَةٍ شَوْطًا وَاحِدًا.» (١)

ابوحمزه ثمالی از امام سجاد پرسید: به چه علتی باید هفت دور گرد خانه طواف کرد؟ امام فرمود: آنگاه که خدا به ملائکه گفت: من در زمین برای خودم خلیفه ای قرار می دهم، ملائکه برگشتند و گفتند: آیا می خواهی در روی زمین کسی را قرار دهی که در آن فساد کند و خون بریزد؟ خداوند فرمود: من چیزی را می دانم که شما از آن خبر ندارید. خداوند مانع ملائکه از نور خود نمی شد لیکن در اثر این اعتراض هفت هزار سال آنان را از نور خود محجوب کرد. ملائکه هفت هزار سال به عرش پناه آوردند تا خداوند به آنان رحکم کرده و از خطایشان گذشت. خداوند در آسمان چهارم بیت المعمور را پناهگاه آنان قرار داد و بیت الله را در زیر بیت المعمور پناهگاه و

ص: ۶۸

محل آرامش مردم قرار داد پس طواف را هفت دور بر بندگانش واجب کرد، برای هر هزار سال یک دور.»

یادآوری خاطرات هاجر و اسماعیل

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا خَلَفَ إِسْمَاعِيلَ بِمَكَّةَ عَطَشَ الصَّبِيُّ فَكَانَ فِيمَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ شَجْرًا فَخَرَجَتْ أُمُّهُ حَتَّى قَامَتْ عَلَى الصَّفَا، فَقَالَتْ: هَلْ بِالْبُؤَادِي مِنْ أَنْيسٍ فَلَمْ تُجِبْهَا أَحَدٌ فَمَضَتْ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْمَرْوَةِ، فَقَالَتْ: هَيْلَ بِالْبُؤَادِي مِنْ أَنْيسٍ فَلَمْ تُجِبْ ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى الصَّفَا وَقَالَتْ ذَلِكَ، حَتَّى صَدَعَتْ ذَلِكَ سَبْعًا فَأَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ سِنِّهَ وَآتَاهَا جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهَا: مَنْ أَنْتِ؟ فَقَالَتْ: أَنَا أُمُّ وَلَدِ إِبْرَاهِيمَ. قَالَ لَهَا: إِلَى مَنْ تَرَكْتِكُمْ؟ فَقَالَتْ: أَمَا لَيْتُنِ قُلْتُ ذَاكَ، لَقَدْ قُلْتُ لَهُ حَيْثُ أَرَادَ الدَّهَابُ: يَا إِبْرَاهِيمُ إِلَى مَنْ تَرَكْتَنَا؟ فَقَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ وَكَلْتُمْ إِلَى كَافٍ. قَالَ: وَكَانَ النَّاسُ يَجْتَنِبُونَ الْمَمَرَّ إِلَى مَكَّةَ لِمَكَانِ الْمَاءِ فَفَحَصَ الصَّبِيُّ بِرِجْلِهِ فَتَبَعَتْ زَمْزَمُ قَالَ فَوَجَعَتْ مِنَ الْمَرْوَةِ إِلَى الصَّبِيِّ وَقَدْ نَبَعَ الْمَاءُ فَأَقْبَلَتْ تَجْمَعُ التُّرَابَ حَوْلَهُ مَخَافَهُ أَنْ يَسِيحَ الْمَاءُ وَلَوْ تَرَكْتَهُ لَكَانَ سَيْحًا. قَالَ: فَلَمَّا رَأَتِ الطَّيْرَ الْمَاءَ حَلَقَتْ عَلَيْهِ، فَمَرَّ رُكْبٌ مِنَ الْيَمَنِ يُرِيدُ السَّفَرَ فَلَمَّا رَأَوُا الطَّيْرَ قَالُوا: مَا حَلَقَتْ الطَّيْرُ إِلَّا عَلَى مَاءٍ فَأَتَوْهُمْ فَسَدَّ قَوْمُهُمْ مِنَ الْمَاءِ فَأَطْعَمُوهُمْ الرُّكْبَ مِنَ الطَّعَامِ وَاجْرَى اللَّهُ عَزَّ

وَجَلَّ لَهُمْ بِذَلِكَ رِزْقًا وَكَانَ النَّاسُ يَمُرُّونَ بِمَكَّةَ فَيُطْعَمُونَهُمْ مِنَ الطَّعَامِ وَ يَشْقُونَهُمْ مِنَ الْمَاءِ» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «آنگاه که ابراهیم، اسماعیل را در مکه گذاشت و رفت، کودک تشنه شد و بین صفا و مروه درخت بود. مادرش بر بالای کوه صفا رفت و فریاد کشید آیا انیس و مونسسی هست؟ کسی او را پاسخ نداد به مروه آمد و سخنش را تکرار کرد و پاسخی نشنید باز به صفا برگشت و هفت بار این کار را تکرار کرد، خدا این سعی و تلاش او را سستی قرار داد. جبرئیل آمد و گفت: تو کیستی؟ گفت: من مادر فرزند ابراهیم هستم. از او پرسید: ابراهیم شما را به چه کسی سپرد؟ گفت: من از ابراهیم همین مطلب را پرسیدم و او پاسخ داد: شما را به خدا می سپارم. جبرئیل گفت: به کفایت کننده سپرده است. به سبب نبودن آب مردم و قافله ها از عبور از مکه اجتناب می کردند. کودک پاهایش را بر زمین کشید و زمزم از زیر پایش جوشید. هاجر از مروه به سوی فرزندش آمد، آب را جوشان دید، خاک ها را بر گرد آن جمع کرد تا جاری نشود. اگر این کار را نکرده بود آب جاری می گشت. پرندگان آب را دیدند بر گرد آن حلقه زدند و قافله ای از یمن که در آن اطراف در حال حرکت بود وقتی پرواز

ص: ۷۰

۱- الکافی، ج ۴، ص ۲۰۲، ح ۲.

پرندگان را در آن نواحی دیدند گفتند باید آبی باشد که پرندگان در این اطراف آمد و شد دارند به دنبال پرندگان بر سر آب آمدند و هاجر به آنان آب داد و قافله به آنان طعام و به این گونه خداوند رزق و روزی آنان را از عبور مردم از مکه مقدر فرمود.»

تواضع، محبوب‌ترین عمل نزد خدا

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنَسِكٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ مَوْضِعِ السَّعْيِ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَدُلُّ فِيهِ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ.» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «محبوب‌ترین محل عبادت نزد خدا محل سعی بین صفا و مروه است، زیرا در این مکان هر سرکش عنودی خوار می‌شود.»

هر لیبیک یک حج

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ ۸ بُنْيَانِ الْبَيْتِ وَتَمَّ بِنَاؤُهُ أَمَرَهُ أَنْ يَضِيْعَ عَدَا رُكْنًا ثُمَّ يُنَادِي فِي النَّاسِ أَلَا هَلُمَّ الْحِجَّ فَلَوْ نَادَى هَلُمُّوا إِلَى الْحِجِّ لَمْ يَحِجَّ إِلَّا مَنْ كَانَ يَوْمَئِذٍ إِنْسِيًّا مَخْلُوقًا وَ لَكِنْ نَادَى هَلُمَّ الْحِجَّ فَلَبَّى النَّاسُ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ لَيْتِيكَ دَاعِيَ اللَّهِ لَيْتِيكَ دَاعِيَ اللَّهِ فَمَنْ

ص: ۷۱

لَبِيْ عَشْرًا حَجًّا عَشْرًا وَ مَنْ لَبِيْ خَمْسًا حَجًّا خَمْسًا وَ مَنْ لَبِيْ وَاحِدًا حَجًّا وَاحِدًا وَ مَنْ لَمْ يَلْبُ لَمْ يَحْجَّ.»

(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «آنگاه که خداوند به ابراهیم و اسماعیل فرمان داد خانه را بسازند و بنای آن کامل شد به او دستور داد بر رکنی بالا رود و ندا در دهد ای مردم به حج حاضر شوید. ابراهیم ندا داد به حج حاضر شو. اگر گفته بود به سوی حج حاضر شوید همه انسان های موجود در آن زمان به حج مشرف می شدند، لیکن او گفت: به حج حاضر شو، پس انسان هایی که صلب پدران بودند او را با "لَبِيْكَ دَاعِيَ اللّٰهِ لَبِيْكَ دَاعِيَ اللّٰهِ" پاسخ دادند، کسی که ده بار لیبیک گفت ده بار و کسی که پنج بار لیبیک گفت، پنج بار و کسی که بیشتر لیبیک گفت یا یک بار لیبیک گفت به همان اندازه به

حج مشرف می شود و کسی که لیبیک نگفت از حج محروم است.»

حجر الاسود دست خدا در روی زمین

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَرَّ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ عَلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ: وَاللَّهِ يَا حَجْرُ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّكَ حَجْرٌ لَا تَضُرُّ وَ لَا تَنْفَعُ إِلَّا أَنَّا رَأَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يُحِبُّكَ فَنَحْنُ نُحِبُّكَ. فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَيْفَ يَا

ص: ۷۲

ابْنُ الْخَطَّابِ فَوَ اللَّهُ لَيُبَعَثَنَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانٌ وَ شَفَتَانِ فَيَشْهَدُ لِمَنْ وَافَاهُ وَ هُوَ يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ يُبَايِعُ بِهَا خَلْقَهُ.» فَقَالَ عُمَرُ: لَا أَبْقَانَا اللَّهُ فِي بَلَدٍ لَا يَكُونُ فِيهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «عمر بن خطاب بر حجر الاسود گذر کرد و گفت: به خدا سوگند ای سنگ ما می دانیم که تو سنگی و هیچ سود و زیانی نمی رسانی، مگر این که دیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ترا دوست دارد پس ما هم ترا دوست داریم. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای پسر خطاب چه می گویی؟ به خدا سوگند روز قیامت این سنگ را خدا مبعوث می کند در حالی که دارای زبان و دو لب است (یعنی سخن می گوید) پس به نفع کسانی که به عهد و پیمان خود با خدا وفا کردند، شهادت می دهد. حجر الاسود دست

راست خدا در روی زمین است که بندگان به وسیله آن با خدا بیعت می کنند. عمر گفت: خدا مرا در شهری که علی بن ابی طالب آنجا نباشد، باقی ندارد.»

رکن یمانی، باب اهل البیت به سوی بهشت

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّهُ بَابُنَا الَّذِي نَدْخُلُ مِنْهُ الْجَنَّةَ.» وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ فِيهِ بَاباً مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ لَمْ يُغْلَقْ مُنْذُ فَتَحَ وَ فِيهِ نَهْرٌ مِنَ الْجَنَّةِ تُلْقَى فِيهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ وَ هَذَا هُوَ الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ لَا رُكْنَ الْحَجَرِ.» (۲)

ص: ۷۳

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۲۲، ح ۱.

۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۱۹، ح ۷ و ۸.

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا رکن یمانی دری است که ما از آن به بهشت وارد می شویم.» و در بیانی دیگر فرمود: «در رکن یمانی بابی از ابواب بهشت است که از آن روزی که باز شده بسته نشده است و در آن نهری از بهشت جاری است که اعمال بندگان در آن القا می شود.»

علت استلام رکن یمانی و حجر الاسود

عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ صَارَ النَّاسُ يَشْتَلِمُونَ الْحَجَرَ وَالرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ وَ لَا يَشْتَلِمُونَ الرُّكْنَيْنِ الْآخَرَيْنِ؟ فَقَالَ: «قَدْ سَأَلَنِي عَنْ ذَلِكَ عَبَادُ بْنُ صَهَيْبٍ الْبَصْرِيُّ؛ فَقُلْتُ لَهُ: لَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اسْتَلَمَ هَذَيْنِ وَ لَمْ يَشْتَلِمِ هَذَيْنِ فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَفْعَلُوا مَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ سَأُخْبِرُكَ بِغَيْرِ مَا أُخْبِرْتُ بِهِ عَبَادًا؛ إِنَّ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ وَ إِنَّمَا أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يُشْتَلَمَ مَا عَنِ يَمِينِ عَرْشِهِ قُلْتُ فَكَيْفَ صَارَ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ يَسَارِهِ فَقَالَ لَأَنَّ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقَامًا فِي الْقِيَامَةِ وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَقَامًا فَ مَقَامُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَنِ يَمِينِ عَرْشِ رَبَّنَا عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَنْ شِمَالِ عَرْشِهِ فَمَقَامُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَقَامِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَرْشُ رَبِّنَا مُقْبِلٌ غَيْرُ مُدْبِرٍ. (۱)

برید عجلی از اصحاب خاص امام صادق از آن حضرت پرسید چرا مسلمانان فقط رکن یمانی و حجر الاسود را لمس می کنند و دو رکن دیگر را استلام نمی نمایند؟

امام صادق فرمود: عباد بن صهیب بصری (از دانشمندان اهل سنت) همین مطلب را از من پرسید، به او گفتم: رسول خدا این دو را استلام کرد و آن دو را لمس نکرد، بر مردم است کاری که رسول خدا انجام داد انجام بدهند. اما به تو پاسخی دیگر می دهم؛ حجر الاسود و رکن یمانی در طرف راست عرش واقع

شده اند و خداوند فرمان داده تا آنچه بر طرف راست عرش واقع شده استلام شود.

برید پرسید: چرا مقام ابراهیم در طرف چپ آن واقع شده؟ امام فرمود: برای پیامبر اسلام و حضرت ابراهیم در قیامت جایگاهی است. جایگاه پیامبر در طرف راست عرش و جایگاه ابراهیم در طرف چپ آن است. در دنیا نیز مقامش در طرف چپ واقع شده است.»

ص: ۷۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

